

تحولات بازار بورس در سال ۱۳۹۹ و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی و ملی

امیر حسین الهام^۱
نجفعلی شهبازی^۲
محمدامین فلاح^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

چکیده

تحولات ناگهانی در افزایش و کاهش‌های شاخص‌های بازار بورس ایران در اواخر سال ۱۳۹۸ و نیمه اول سال ۱۳۹۹ از عمده‌ترین دگرگونی‌های اقتصادی است که اثراتی ماندگار بر ذهنیت تاریخی ایرانیان باقی گذارده است و می‌توانست تعمیق نارضایتی‌های سیاسی و بروز برخی ناامنی در سطوح مختلف را در پی بیاورد. در این چارچوب، پژوهش حاضر بر تبیین و توضیح این پرسش متمرکز شده است که چه ارتباطی بین تحولات بازار سرمایه در سال ۱۳۹۹ با اوضاع امنیتی کشور وجود دارد؟ در این رابطه، عمده‌ترین فرض احتمالی این‌گونه به نظر می‌رسد که هر چقدر روند کلی بازار سرمایه به سمت بهبود و تقویت شاخص‌های مالی آن پیش برود، تأثیرش بر اوضاع امنیت ملی و اقتصادی به‌صورت سازنده بروز خواهد کرد. این پرسش و فرضیه با استفاده از روش کیفی تحلیل مضمون و با کمک نرم‌افزار maxqoda بررسی شده‌اند. یافته‌های پژوهش، افزایش تمایل مردم برای فعالیت و کسب سود در بورس، تأثیرپذیری عمیق امنیت ملی ایران از وضع اقتصادی متأثر از بورس، تأثیرگذاری عمیق مداخله غیرضروری و بیش از حد دولت بر ناکارآمدی بازار بورس و وضع اقتصادی، ضرورت فوری شفاف‌سازی عملکرد بازار بورس، تأثیرگذاری گسترده رانت‌های مالی بر بازار بورس، فقدان تخصص و آگاهی لازم فعالان خرد و متوسط بازار بورس درباره نحوه فعالیت در بازار بورس، کاهش سطح اعتماد عمومی به بورس، تضعیف اعتماد سیاسی به دولت و نهایتاً تشدید و حتی فراهم‌سازی زمینه‌های بروز جنبش‌های اجتماعی و سیاسی اعتراضی را نشان داده است.

واژگان کلیدی: بورس، امنیت اقتصادی، خبرگان اقتصادی، تحولات شاخص‌های بورس.

^۱ استادیار، پژوهشکده امنیت داخلی، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران. نویسنده مسئول. (Amelhami@yahoo.com)

^۲ استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران. (Shahbzi.ali@ut.ac.ir)

^۳ کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران. (ma.fallah70@gmail.com)

۱. مقدمه

یکی از مهمترین عوامل پیشرفت و رشد در جوامع، وجود امنیت اقتصادی است که از جمله نیازهای ضروری توسعه محسوب می‌شود و با سازوکار تأمین نیازهای فوری جوامع مستقیماً پیوند دارد. تحولات این سازوکار در دوران معاصر در بازارهای مالی و اوضاع اقتصادی، شیوه‌های تأمین امنیت را به شدت متأثر ساخته است. در این دوران، ظهور بازارهای مالی و گسترش نفوذ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن بر اهمیت روابط بین تحولات مالی و اوضاع امنیتی افزوده است تا بهبود زندگی اقتصادی و امنیت آن در زمره یکی از سه اولویت اساسی سیاست‌گذاران و کنشگران خرد و کلان فعالیت اقتصادی باشد.

از دیگر سو، اوضاع اقتصادی نیز ممکن است از عواملی خارج از حیطه سیاست‌گذاری متأثر شود. این امر در دوران معاصر به خصوص از بازارهای مالی، به‌ویژه بورس، به شدت متأثر بوده است که هم عمیقاً به خطمشی‌های اقتصادی و سیاسی وابسته است و هم از فعالیت‌های صاحبان سرمایه‌های مالی تأثیر می‌پذیرد که می‌تواند هم در جهت انباشت و تقویت سرمایه‌های مورد نیاز برای رشد اقتصادی عمل کند و هم کاهش و تضعیف این سرمایه را در پی داشته باشد. در دوران اقتصادی امروز جهان، سرمایه‌های مالی و تجاری در حال گردش در بورس در فرآیند رشد و تحولات اقتصادی و گسترش زمینه‌های افزایش تولید و بهره‌وری و رفع مشکل کمبود سرمایه، به خصوص در کشورهایی نظیر ایران، از جایگاه بالاتری برخوردار شده‌اند؛ زیرا سوق یافتن سرمایه‌ها و پس‌اندازهای داخلی و جذب سرمایه‌های خارجی از مسیر بازار سرمایه به سمت فعالیت‌های تولیدی مفید موجب می‌شود تا بازار بورس اوراق بهادار کارا، به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد مشارکت شرکت‌های سهامی، به نقش اصلی و بنیادین خود در تأمین امنیت اقتصادی نزدیک شود.

علاوه بر این، کم‌وکیف وضعیت توسعه‌یافتگی و گستره فعالیت‌های مردم در بازار سرمایه اغلب به‌عنوان نمایه توسعه‌یافتگی اقتصادی کشورها مطرح شده است. این موضوع از آن‌جا اهمیت یافته است که افزایش اهمیت منافع اقتصادی افراد از طریق بازار سرمایه می‌تواند از کنش‌های رادیکال افراد برای اعتراض‌های سیاسی و اجتماعی بکاهد و از طریق تقویت عقلانیت ابزاری، کنش‌های اعتراضی را به سمت رفتاری حل‌المسائلی براند. این موضوع نیز سویه دیگری از چرایی اهمیت بازار سرمایه و اوضاع اقتصادی در متغیرهای کلان امنیتی و سازوکار کلی تقویت بازار سرمایه برای ارتقای اوضاع امنیتی را به ما می‌نماید.

در این چارچوب، همواره سعی نظریه‌پردازان اقتصادی و سیاست‌گذاران بر این بوده که موانع اصلی بر سر راه این بازار را حل کرده تا این نهاد نقش خود را در ابعاد کلان امنیت ملی و اقتصادی به بهترین وجه ممکن ایفا کند؛ زیرا در صورت فقدان بازار سرمایه در یک کشور یا فعال نبودن آن، منابع مالی به ناچار از طریق سیستم‌های بانکی یا بازارهای غیررسمی در نقل و انتقال منابع قرار می‌گیرند که به جریان ناکارآمد تأمین مالی و تزلزل در امنیت اقتصادی منجر خواهد شد و در نتیجه یکی از مهم‌ترین مشکلات در راه توسعه اقتصادی محسوب می‌شود.

در ایران نیز بازار بورس در اواخر سال ۱۳۹۸ و نیمه اول سال ۱۳۹۹ به یکباره دچار تحولات مثبتی شد و شاخص‌های محوری آن به‌نحوی افزایش یافتند که موجب هجوم ناگهانی سرمایه‌های خرد و متوسط به بازار بورس شد که موجب چشم‌اندازی از افزایش سرمایه‌های سرمایه‌گذاران خرد و متوسطی شد. با سقوط ناگهانی

شاخص‌های مختلف بازار بورس، این سرمایه‌ها یکباره دچار سقوط شدید شدند. با توجه به تأییراتی که از سوی سیاست‌گذاران دولتی بر این صعود و سقوط مسجل بود، سقوط ناگهانی شاخص‌های بازار سرمایه می‌توانست اسباب ظهور معضلات اجتماعی جدید و تشدید و تعمیق نارضایتی‌های سیاسی و بروز برخی ناامنی در سطوح مختلف را در پی داشته باشد.

با این اوصاف، پژوهش حاضر بر تبیین و توضیح روابط متقابل بازار سرمایه و امنیت در ایران با تأکید بر نوسانات حادث‌شده در سال ۱۳۹۹ متمرکز است که نهایتاً می‌تواند چپستی این تحولات را با تشخیص امکان ظهور و بروز نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی و رفتارهای ضد امنیتی در نظر مخاطب بیاورد. بدین منظور، این پرسش مطرح شده است که چه ارتباطی بین تحولات بازار سرمایه در سال ۱۳۹۹ با اوضاع امنیتی کشور وجود دارد؟ در این رابطه، عمده‌ترین فرض احتمالی این‌گونه به نظر می‌رسد که هر چقدر روند کلی بازار سرمایه به سمت بهبود و تقویت شاخص‌های مالی آن پیش برود، تأثیرش بر اوضاع امنیت ملی و اقتصادی به‌صورت سازنده بروز خواهد کرد. در این چارچوب، نوسان‌های شدید بازار سرمایه در سال ۱۳۹۹ منجر به شکل‌گیری زمینه‌های برخی اعتراض‌های اجتماعی و سیاسی و تضعیف نسبی امنیت ملی و اقتصادی شد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. مبانی نظری پژوهش

امنیت^۱ اصلی‌ترین وظیفه دولت ملی و مفهومی پیچیده، متعارض و شدیداً متکی بر نگرش‌ها و ارزش‌هاست که باعث شده تعریف جامعی از این واژه حاصل نیاید. با این وجود، در دهه‌های اخیر توجه به بعد اقتصادی امنیت رو به فزونی گذاشته و متغیرهای اقتصادی در مقایسه با متغیرهای نظامی اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند و مناقشه‌های اقتصادی جای درگیری‌های نظامی را گرفته است (روزکرانس^۲، ۱۳۸۶: ۳۴۹). مفهوم امنیت اقتصادی برگرفته از تعامل دو حوزه امنیت ملی و اقتصاد است. اگر برای مفهوم امنیت ملی لایه‌ها و مصادیق مختلفی در نظر بگیریم، با قاطعیت می‌توان اظهار کرد که «امنیت اقتصادی» یکی از مهم‌ترین اشکال آن است (مساز^۳، ۲۰۰۸: ۵۶۹). مفهوم امنیت اقتصادی طی دو جنگ جهانی برای حفاظت از زیرساخت‌ها حیاتی پدید آمد و در دهه ۱۹۷۰ میلادی با ابداع مفهوم امنیت انرژی گسترش یافت.

برخی امنیت اقتصادی را «آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در خصوص بلا اجرا ماندن تعهدات و مطالبات و در عین حال حصول اطمینان از برخورداری از ثمرات فعالیت‌هایی که در زمینه تولید ثروت و توزیع و مصرف آن صورت می‌گیرد» تعریف کرده‌اند (چینی، ۱۳۸۲). به عبارتی، امنیت اقتصادی رسیدن به وضع لازم برای نیل به محیط مساعد فعالیت اقتصادی پویا، امن و مناسب برای نوآوری، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی بوده که تداوم ارتقای استاندارد زندگی جامعه و رشد اقتصادی پایدار را در پی دارد. برای فعالان اقتصادی، امنیت اقتصادی یعنی وضعیتی که در آن واحدهای تولیدی می‌توانند بدون نگرانی از خطرهای محیطی، برنامه‌ریزی بلندمدت

¹ Security

² Rosecrans

³ Mesjasz

کنند. امنیت اقتصادی مجموعه‌ای از اوضاع و عوامل و ساختارهای اجتماعی است که باعث آسایش خیال، شوق و ذوق مردم به کار و کوشش و فعالیت و امید به آینده می‌شود. بر همین مبنا امنیت اقتصادی در سطح کلان اقتصادی چارچوب نهادینه‌ای از متغیرهای کلان اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی است که اعتماد فعالان اقتصادی در درون یک نظام ملی را جلب کرده و با برخورداری از احساس اعتماد به سیاستگذاران ارتقای رشد اقتصاد ملی را تضمین کند (فابریسیوس^۱، ۱۹۹۸).

به‌طور خاص، به نظر می‌آید مهم‌ترین تعامل در امنیت اقتصادی، مربوط به این است که اولاً اقتصاد ملی در کنترل دولت قرار گرفته و بیشتر نیازهای مادی در داخل تولید شود و ثانیاً وابستگی متقابل اقتصادی در سطح جهان، بر اساس اصول کارآمدی اقتصادی قرار گرفته و بخش اعظم نیازهای اقتصادی از خارج کشور تأمین گردد. «گیلین^۲ این موضوع را به‌عنوان برخوردی میان توانایی نظام داخلی و هنجارهای بین‌المللی توصیف می‌کند؛ زیرا در طول زمان وابستگی متقابل روزافزون اقتصادهای ملی در تجارت امور مالی و سیاست‌های کلان اقتصادی، با اولویت‌های اقتصادی و اجتماعی داخلی، در تعارض قرار گرفته است» (گیلین، ۱۹۹۳). آنچه زمینه‌این تعامل را فراهم می‌سازد، تعارض بین قابلیت رقابت اقتصادی و وابستگی متقابل اقتصادی است که موجد تردید در مسئله قابلیت رقابت جهانی است؛ زیرا آن را به سطحی از وابستگی متقابل منوط می‌داند.

در میان نظریه‌پردازان برجسته امنیت که درباره جنبه اقتصادی امنیت نیز دیدگاه‌های مهمی دارند، ماندل، امنیت اقتصادی را در میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات و از مجرای عملکرد داخلی و حضور در بازارهای بین‌المللی می‌داند (ماندل، ۱۳۷۷: ۷۴). بوزان نیز امنیت اقتصادی را در دسترسی به منابع، سرمایه و پول، منابع مالی و بازارهای لازم برای حفظ سطح قابل قبول از رفاه و قدرت دولت، تعریف می‌کند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). از نظر بوزان، بحث از «امنیت اقتصادی» در جامعه سرمایه‌داری جایی ندارد؛ زیرا سرمایه‌داری رقابتی بر اساس درجه بالایی از ناامنی پایدار برای همه واحدها (اعم از افراد، بنگاه‌ها و دولت‌ها) بتنی است، لذا اساساً واژه‌های «امنیت اقتصادی» و «سرمایه‌داری» قابل جمع نیستند (اودوچ^۳، بی‌تا: ۱۰). به نظر بوزان، تهدید اقتصادی پیچیده‌ترین تهدید برای بررسی در چارچوب امنیت ملی است؛ زیرا وضعیت عادی بازیگران اقتصادی با ریسک، رقابت تهاجمی و عدم قطعیت گره خورده و کارایی بازار در این است که بازیگران فاقد کارایی را به ورشکستگی تهدید کند و در این صورت است که سیستم طوری عمل می‌کند که موجب تولید مؤثر ثروت و رفاه می‌شود (بوزان، ۱۳۹۹: ۱۳۴). اما چنانچه عواقب تهدید اقتصادی به سه بخش اقتصاد، امور نظامی و سیاسی گسترش یابد، آنگاه مسئله امنیت ملی مطرح می‌شود. چراکه بین توانایی اقتصادی و قدرت نظامی، سیاسی و اجتماعی، پیوند محکمی برقرار است (بوزان، ۱۳۹۹: ۱۳۵ - ۱۳۶).

از دیدگاه بوزان، تنش بین آسیب‌پذیری و کارایی، در همه سطوح امنیت اقتصادی جریان دارد. در سطح فردی، تعریف اساسی امنیت اقتصادی از حیث دسترسی به ضروریات رفع نیازهای بنیادین بشری (غذا، آب، پناهگاه و آموزش) صورت می‌گیرد. در اینجا امنیت اقتصادی با طیفی از مسائلی همچون اشتغال، توزیع درآمد و رفاه

1. Fabriciuse

2. Gilpin

3. Udovič

مرتبط می‌شود. در سطح شرکت‌ها، آن‌ها با حفظ خود در رأس بازار از طریق نوآوری، انطباق بهتر با ایجاد انحصار و کسب سهمی از بازار با حمایت سیاسی، می‌توانند امنیت خود را تأمین نمایند. در سطح طبقه نیز می‌توان گفت که منافع امنیتی طبقات و شرکت‌ها تا حدود زیادی در منافع دولت‌های مرتبط با آن‌ها قرار دارد. در سطح دولت نیز به شرایط اقتصادی ضروری دولت برای بقای خود توجه می‌شود. دولت‌ها در تأمین امنیت اقتصادی، نیازمند توجه به دو عنصر اساسی هستند:

(۱) به راه‌های ضروری تأمین همه ارقام حیاتی خود دسترسی سریع داشته باشند.

(۲) سلامتی و حتی بقای دولت به رویه‌های پیشرفته‌تر و موفق‌تر در سیستم بین‌المللی مربوط است.

شکست در انطباق یا حتی کندی نسبی در این انطباق، به معنی از دست دادن مداوم قدرت و حتی افزایش آسیب‌پذیری در مقابل طرف‌های موفق‌تر است (بوزان، ۱۳۹۹: ۲۴۶-۲۴۱).

امنیت اقتصادی تأمین هزینه‌ها و تقویت فناوری نظامی نیز تعریف شده است. آدم اسمیت بین دفاع و ثروتمندی رابطه برقرار می‌کرد (شیهان، ۱۳۸۸: ۸۷). وابستگی متقابل اقتصادی از دیگر معانی امنیت اقتصادی است. به تدریج تعاریف چند بعدی و ساختاری نیز گسترش یافت و مفهوم امنیت اقتصادی به سمت بازار و خط مشی‌های آن متمایل شد (رشیدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۵). لاسمن^۱ به نفی مفهوم امنیت اقتصادی، آن را به سازوکار طبیعی بازار تنزل می‌دهد و با ترکیب واقع‌گرایی و لیبرالیسم کلاسیک سیاست را ذاتی بازار نمی‌داند؛ یعنی بدون دخالت سیاسی و هزینه‌های نظامی، عملکرد صحیح بازار انجام می‌شود. افزودن اقتصاد به امنیت ملی اجرای اهداف امنیتی را پیچیده و منابع را از این اهداف جدا می‌کند. بنابراین تعادل طبیعی بازار خود امنیت اقتصادی است (سیف، ۱۳۸۹: ۱۰).

با این اوصاف می‌توان دو تعریف حداقلی و حداکثری از امنیت اقتصادی ارائه کرد. در تعریف حداقلی، امنیت اقتصادی به معنای وضعیت باثبات و دفع هرگونه تهدید فیزیکی و در تعریف حداکثری به منزله سیاست‌ها و عملکرد مناسب ساختار اقتصادی از جهت جامعیت حوزه‌ها، عناصر، مؤلفه‌ها، تشکیل‌دهنده استحکام و هماهنگی میان آن‌ها و بهبود شاخص‌های اقتصادی است.

به‌طور کلی امنیت اقتصادی حمایت از منافع اقتصادی یک کشور به‌منظور مانع شدن از اقدامات، فعالیت‌ها و حوادثی که این منافع را تهدید می‌کند، است (سویزی و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۴۱)؛ بنابراین شاخص‌های امنیت اقتصادی را می‌توان شامل: تأمین کالاها و خدمات برای جامعه، حفظ منافع اقتصادی کشور، ثبات بازارهای ملی، تجارت آزاد، توسعه پایدار تولید ناخالص داخلی، رشد بهره‌وری، نرخ پایین تورم، ثبات نرخ ارز، تعادل تراز پرداخت‌ها، حل مسائل مرتبط با مواد مخدر و قاچاق کالا و پدیده‌هایی از این قبیل دانست.

در مجموع، امروزه، امنیت اقتصادی به جدی‌ترین نگرانی‌های دولت تبدیل شده که نتیجه اصلی آن تحکیم بنیان‌های اقتصاد ملی و رهانیدن آن از آسیب وابستگی به کشورهای دیگر است. تأمین استقلال اقتصادی کشورهای در حال توسعه از مهم‌ترین شرایط پیش‌برد امنیت ملی آن‌هاست. در این خصوص، توسعه اقتصادی، مهم‌ترین نقش را در تأمین امنیت اقتصادی می‌یابد (موسوی زنوز، ۱۳۹۳). مشهورترین رابطه میان اقتصاد و

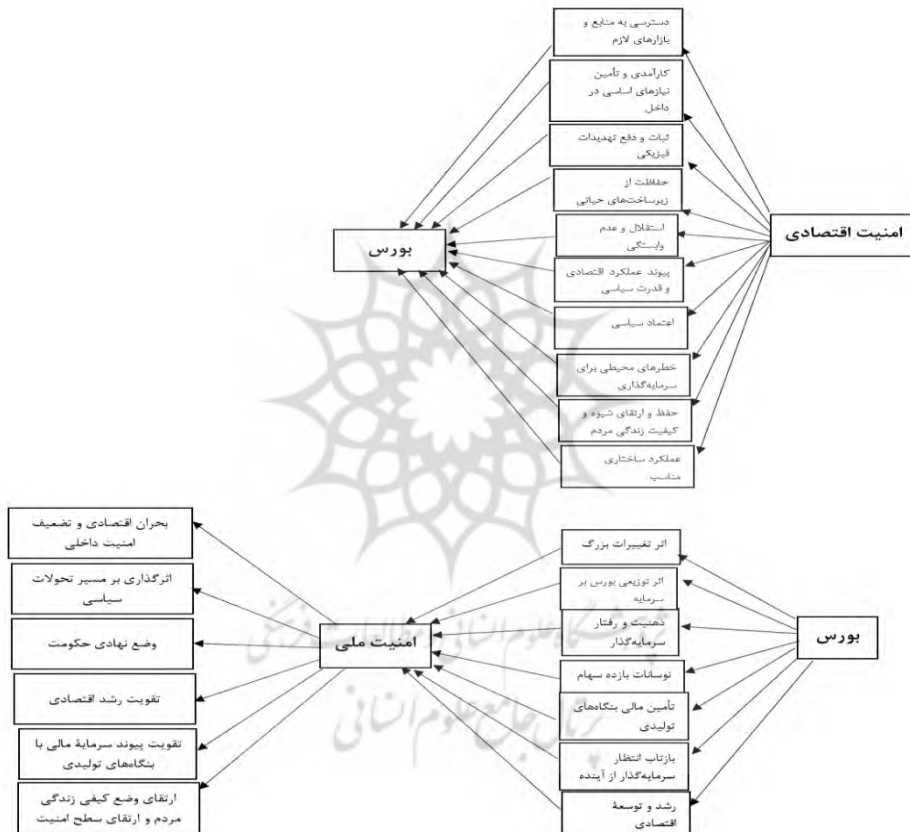
¹ Losman

امنیت، رابطه بین عملکرد اقتصادی و قدرت است. پایه‌های این رابطه از رویکردی فلسفی است که قدرت سیاسی را از قدرت اقتصادی می‌بیند. معروف‌ترین آن‌ها در فلسفه کارل مارکس است که تحولات اقتصادی را منشأ تحولات سیاسی می‌داند. اگر ساختارهای اقتصادی، سیاست را مشخص می‌کنند، ارتباط آن‌ها با امنیت روشن است. از طرفی بازار سرمایه نقش مهمی را در اقتصاد هر کشور بر عهده دارد و می‌تواند با تأمین مالی سرمایه مورد نیاز بنگاه‌های تولیدی به رشد و توسعه اقتصادی، کمک کند. وضعیت بازار سهام، انتظارات سرمایه‌گذاران را در قبال آینده شرکت‌ها و به‌طور کلی وضعیت اقتصادی نشان می‌دهد. پس می‌توان گفت که ثبات در رفتار حرکتی این بازار می‌تواند از جنبه اقتصادی نیز با امنیت ملی در ارتباط باشد. فقدان ثبات به‌طور کلی می‌تواند در هر زمینه‌ای خطرآفرین باشد. این مورد از نظر پیشینه تاریخی نیز اثبات شده است. برای مثال، آشکارترین شکل از وجود چنین ارتباط‌هایی در دهه ۱۹۳۰ دیده شد؛ زمانی که بحران مالی عمیق موجب افزایش بیکاری شد و زمینه را برای ظهور فاشیسم در آلمان و دیگر مناطق فراهم آورد. دلیل این موضوع آن است که اگر سرمایه‌گذاران معتقد باشند عملکرد آتی شرکت‌ها با مشکل مواجه می‌شود، در نتیجه نرخ‌های تنزیل افزایش پیدا کرده و ارزش‌های بازار سهام کاهش می‌یابد بدین ترتیب اعتماد تجاری با مخاطره روبه‌رو شده و به دنبال آن امنیت ملی نیز متأثر می‌شود (عمر و همکاران، ۲۰۲۱). از طرفی، انتشار اخبار نگران‌کننده از سوی رسانه‌ها نیز وضعیت نوسانی بازار را تشدید کرده و ترس را به سرمایه‌گذاران انتقال دهد و نهایتاً آن‌ها را به سمت دیدگاه‌های بدبینانه از آینده سوق می‌دهد. در این میان نباید از نقش ماهیت و شرایط داخلی کشور و تأثیرات آن غافل شد. ماهیت و اوضاع نهادی حکومت می‌تواند در نوسانات بازار سهام تأثیرگذار باشد. به عبارتی، نوسانات بازده سهام شرکت‌هایی فعال در کشورهای ثروتمند و دموکراتیک با شرکت‌های فعال در کشورهای درحال توسعه همراه با سیاست متفاوت، فرق خواهد کرد (اسدام و کاراجیانس، ۲۰۱۵). به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که اهمیت بازار سهام علاوه بر مسائل اقتصادی و توسعه‌ای، در بحث امنیت ملی و امنیت اقتصادی به عنوان یکی از نمودها و ابعاد امنیت ملی، چشم‌پوشی‌پذیر نیست. به‌عنوان مثال اسدام و کاراجیانس (۲۰۱۵)، در اهمیت این بازار نشان داده‌اند که تغییرات بزرگ در بازارهای مالی و بازار سهام می‌تواند امنیت داخلی را تضعیف کند و حتی با حملات تروریستی نیز در ارتباط است.

بر مبنای آنچه که گفته شد اجماع نظر این اندیشمندان آن است که جنبه‌های اصلی امنیت اقتصادی عبارت‌اند از: رشد اقتصادی و توزیع اقتصادی کالاها و خدمات امنیتی در این رابطه افزایش سلامتی اقتصاد ملی از طریق بهبود نسبی آن در مقایسه با شرایط اقتصاد در گذشته، و همین‌طور بهبود وضعیت فعلی آن در مقایسه با دیگر کشورها است (ماندل، ۱۳۷۷: ۱۱۵). با جمع‌بندی مفاهیم فوق می‌توان گفت که مفهوم امنیت اقتصادی از تعامل دو حوزه مطالعاتی امنیت ملی و اقتصاد حاصل می‌شود و حاصل نگاه امنیت ملی به حوزه اقتصاد و سازوکارهای اقتصادی است.

در نهایت، با توجه به مفاهیم مباحث مطرح شده در مرور مبانی نظری پژوهش، می‌توان مدل پژوهش را مطابق شکل (۱) ترسیم نمود. این شکل نشان می‌دهد که بین بورس و امنیت اقتصادی روابطی متقابل برقرار است که بازخورد نهایی آن به امنیت ملی می‌رسد. در این مدل مهم‌ترین مصادیق و مفاهیم مربوط به وضعیت امنیت اقتصادی به‌طور مستقیم بر بورس اثرگذارند و اثر این موضوع نیز به صورت مقوله‌های مندرج و احصاء شده در

ذیل وضعیت بورس در مدل درآمدی و با آن پیوند متقابل می‌یابند که نهایتاً این وضعیت نیز مستقیماً به امنیت ملی در سطح کلان منتقل می‌شود. تأثیر کلی این وضعیت بر امنیت ملی به صورت مقوله‌های مشخص شده در مدل در ذیل امنیت ملی ظاهر می‌شوند. در این بین، امنیت اقتصادی و شاخص‌های آن به طور مجزا و در صورت فقدان پدیده بازار بورس نیز خودش به تنهایی عمده‌ترین مقوله در امنیت ملی محسوب می‌شود و به طور خاص و مستقیم کلیت اوضاع امنیتی را متأثر می‌کند.



شکل شماره (۱) مدل پژوهش

منبع: نگارندگان پژوهش

۲-۲. پیشینه پژوهش

در پیشینه پژوهش پیش‌رو، پژوهش‌های بین‌المللی به مفهوم‌سازی و الگوسازی امنیت اقتصادی پرداخته‌اند؛ به مبانی امنیت اقتصادی پرداخته و دیدگاهی نظری به مسئله داشته‌اند. مرتبط‌ترین بخش از این پژوهش‌ها به چارچوب‌ها و پایه‌های نظری و مفهومی شکل می‌دهند که برای ورود به بحث عملیاتی درباره امنیت اقتصادی در ایران اهمیت دارند. اما بخش مهم‌تر مبانی نظری پژوهش را باید در پژوهش‌هایی جست‌وجو کرد که به‌طور خاص درباره اوضاع امنیت اقتصادی در ایران انجام شده‌اند.

به‌طور گسترده پذیرفته شده است که بازار سهام و امنیت ملی به‌شدت درهم تنیده هستند؛ زیرا عملکرد بازار سهام می‌تواند تأثیر مستقیمی بر سلامت اقتصادی یک کشور داشته باشد. در این پژوهش، چگونگی تأثیر عملکرد بازار سهام بر امنیت ملی و نیز نحوه تأثیرگذاری سیاست‌های امنیت ملی بر بازارهای سهام اهمیت دارند. عملکرد بازار سهام از طرق مختلف با امنیت ملی مرتبط بوده است. برای نمونه، گفته شده است که عملکرد قوی بازار سهام می‌تواند منجر به افزایش رشد اقتصادی شود که به نوبه خود می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌های نظامی و بهبود قابلیت‌های نظامی شود (گروسمن و هلپمن^۱، ۱۹۹۱). علاوه بر این، رشد اقتصادی قوی می‌تواند منجر به افزایش درآمد دولت شود که به نوبه خود برای تأمین مالی برنامه‌های اجتماعی یا سایر ابتکارات مفید واقع می‌شود و ممکن است امنیت ملی را بهبود بخشد. همچنین عملکرد قوی بازار سهام ممکن است به افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد یک کشور منجر شود که به‌طور بالقوه می‌تواند منابع اضافی برای هزینه‌های دفاعی فراهم کند (کروگر و لیندال^۲، ۲۰۰۱).

پیشنهاد شده است که بازارهای سهام قوی ممکن است به بهبود اعتماد عمومی به دولت یک کشور و توانایی آن برای محافظت از شهروندان منتهی شود (گروسمن و هلپمن، ۱۹۹۱). سیاست‌های امنیت ملی و بازارهای سهام علاوه بر اثرات عملکرد بازار سهام بر امنیت ملی، شواهدی نیز هست که نشان می‌دهند جنبه‌های خاصی از سیاست امنیت ملی می‌تواند بر بازارهای سهام تأثیر بگذارد. در همین رابطه، کروگر و لیندال گفته‌اند افزایش هزینه‌های دفاعی یا مداخلات نظامی ممکن است منجر به افزایش نوسانات در بازارهای مالی شود (کروگر و لیندال، ۲۰۰۱). گروسمن و هلپمن نیز استدلال کرده‌اند که انواع خاصی از تحریم‌ها یا تحریم‌های بین‌المللی ممکن است تأثیر نامطلوبی بر بازارهای مالی بگذارد (گروسمن و هلپمن ۱۹۹۱). در نهایت، گفته شده است که تغییرات در سیاست خارجی یا روابط دیپلماتیک با سایر کشورها نیز ممکن است بر بازارهای مالی تأثیر بگذارد (کروگر و لیندال، ۲۰۰۱).

برخی دیگر نیز بر تحولات سیاسی، از جمله انتخابات در رده‌ها و گونه‌های مختلف آن، در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای مختلف تمرکز کرده‌اند که زمینه‌های از بالا به پایین امنیت اقتصادی و آثار آن بر وضعیت بورس را نشان می‌دهند. این تحقیقات از آن‌جا برای پژوهش حاضر مرتبط ارزیابی می‌شوند که تحولات سیاسی

¹ Grossman & Helpman

² Krueger & Lindahl

را می‌توان متغیر عمده در بررسی اوضاع امنیتی و نیز مهم‌ترین متغیر واسطه بین وضعیت بازارهای مالی و بورس با بازتاب‌های امنیتی این بازارها قلمداد کرد.

در زمینه تأثیر تحولات سیاسی دموکراتیک، به‌طور خاص انتخابات، بر بازارها در انتخابات میان مدت آمریکا در سال ۱۹۹۸ پس از تغییرات سیاسی نتیجه یافت‌شده بر فقدان اطمینان سیاسی چشمگیر در بین سرمایه‌گذاران دلالت می‌کند (لویو^۱، ۱۹۹۹: ۱۴۸). ارزیابی‌های مشابهی در آفریقای جنوبی پس از تغییرات سیاسی عمده نیز انجام شده است که نتایج قابل مقایسه آن نشان داده‌اند نوسانات بازار سهام ارتباط نزدیکی با بی‌ثباتی سیاسی دارد (بروکس^۲، ۲۰۱۹: ۲۵۳) و نهایتاً موجب چالش‌های امنیتی چشمگیر می‌شوند.

تحقیق گسترده‌ای درباره وضعیت بازار یونان انجام شده است که ارتباط خاصی را میان رفتار شاخص بازار سهام و عوامل سیاسی نشان می‌دهد. در این تحقیق با بهره‌گیری از آنالیز-تحقیق رویداد این خروجی به دست آمده است که اگرچه بازار پس از شوک اولیه مجدداً به شرایط قبلی بازخواهد گشت، اما هنگامی که یک کشور تغییراتی را در ساختار سیاسی خود تجربه می‌کند، قیمت سهام به‌خوبی به فقدان اطمینان واکنش نشان داده و در ناآرامی‌ها به شکل منفی تأثیر پذیرفته و تنظیم می‌شود (الکساکیس و پتراکس^۳، ۱۹۹۱: ۴۷۱). در یک بررسی در ارتباط با تحولات هنگ‌کنگ نیز با استفاده از شاخص هانگسنگ، خبرهای سیاسی خوب بازده مناسبی بر بازار سرمایه داشتند، در حالی که اخبار نامطلوب سبب بازده نامطلوب می‌شد. همچنین بخش‌های مشخصی از سهام بیشتر در معرض خطرات سیاسی نسبت به بخش‌های مشابه قرار دارند. به‌ویژه نتایج این پژوهش نشان داده است که اخبار سیاسی تأثیراتی را بر تفاوت‌های تغییرپذیری و نوسان بازار سهام بر جای گذارده است (چان^۴، ۱۹۹۶: ۲۶۰). در بازارهای در حال توسعه شوک‌های سیاسی تأثیراتی را بر بازار سهام بر جای گذاشته که نشان‌گر تأثیر کاهش یا افزایش مخاطرات سیاسی به عنوان عامل قیمت‌گذاری بازده سهام است (پروتی و اویجن^۵، ۲۰۰۱: ۴۵).

علاوه بر این‌ها، در ایالات متحده آمریکا نیز تأثیرات حمله ۱۱ سپتامبر بر بازار سرمایه بسیار بیشتر از رویدادهای دیگر بررسی شده است، به حدی که بازارهای دیگر کشورها را نیز متأثر کرده است. جکسون^۶ (۲۰۰۸) در رابطه با تأثیرات ۷۷ و حمله تروریستی تحقیقاتی صورت داده که بخش عمده این رویدادها تأثیرات منفی بر بازارهای مالی باقی گذاشته است (چسنی و همکاران^۷، ۲۰۱۱: ۲۵۳). نوسان در قیمت‌ها بیانگر فرایندهای طبیعی و اجتماعی و سیاسی هستند که الگوهای ادواری را به وجود می‌آورند. هر یک از سرمایه‌گذاران بازار سهام دوست دارند تا با پیش‌بینی دقیق این فرایندها، حداکثر سود را کسب کنند، هنگامی که آنها چنین مهارتی داشته باشند

¹ Lobo

² Brooks

³ Alexakis & Petrakis

⁴ Chan

⁵ Perotti & Oijen

⁶ Jackson

⁷ Chesney & at el

سهام‌شان را در بازارهای پربازده حفظ می‌کنند و با کساد شدن بازار، سهام خود را واگذار کرده یا در موقعیت دیگری سرمایه‌گذاری می‌کنند (فلورس^۱، ۲۰۰۸: ۲۷۹).

در این بین، مطالعات گوناگون نشان داده‌اند که اوضاع متغیرهای کلان و سیاست‌های دولت‌ها از اثری متقابل بر یکدیگر برخوردارند. مثلاً چاپل و کیچ^۲ (۱۹۸۶) و الیسنا و ساچس^۳ (۱۹۸۸) پی بردند که شاخص‌های اقتصادی در طول حیات دولت‌های دموکراتیک با دولت‌های جمهوری‌خواه متفاوت‌اند؛ بدین صورت که دولت‌های دموکراتیک با دولت‌های جمهوری‌خواه متفاوت‌اند (هنسل و زیما^۴، ۱۹۹۵: ۶۱). بیال کوسکی و همکاران^۵ (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «نوسان بازار سهام در انتخابات ملی در ارتباط با نمونه‌ای از ۲۷ کشور»، با استفاده از روش گارچ، این را بررسی کرده‌اند که آیا انتخابات ملی سبب القای در نوسان بازار سهام بیشتر می‌شود.

Rit = a + FR + Etc. Eit-N (O, hic)

که در آن Rix بازده به‌طور مرکب بر روی دلار آمریکا و شاخص بازار سهام و شاخص بازار بورس جهانی در روز t است. نتایج عملی نشان داده‌اند که جزء اختصاصی کشور واریانس ۱۵ شاخص به سادگی از این قابلیت برخوردارند که در هفته حول انتخابات دو برابر شود که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران از نتایج انتخابات متعجب شده‌اند. چندین نمونه از عوامل گوناگون نظیر حاشیه محدود پیروزی، کمبود قوانین رأی‌دهی اجباری تغییر جهت‌گیری‌های سیاسی دولتی یا عدم قابلیت ایجاد دولتی با اکثریت پارلمانی به‌طور معناداری در دامنه شوک انتخابات نقش دارند. همچنین شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهند بازار با تاریخچه تجارت کوتاه، واکنش قوی‌تری بروز می‌دهد. این یافته‌ها سبب‌ساز دیدگاه‌های مهمی را درباره استراتژی‌های بهینه سرمایه‌گذاران فردی و سازمانی می‌شوند که مستقیم یا غیرمستقیم در معرض خطرات نوسان قرار می‌گیرند.

اسمالز^۶ (۲۰۱۴) در تحقیق «تأثیر ضرورت‌های سیاسی بر فقدان اطمینان بازار مالی استرالیا» معیارهایی از نبود اطمینان سیاسی ارائه کرده و به شکل رسمی روابط آن‌ها را با عدم اطمینان بازار بررسی می‌کند که توسط نوسانات کاربردی مورد توجه بوده‌اند. داده‌های رأی‌گیری حاصل از پژوهش بر روی مرگان، معیارهای عملی فقدان اطمینان سیاسی در پنج نمونه از چرخه‌های انتخابات استرالیا بین سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۳ به منظور آزمودن دو فرضیه، با الگوی کارچ، به کار گرفته شده‌اند. درباره اولویت‌های بازار مطالب غلطی پذیرفته شده است و افزایش یا کاهش احتمال الزامات برای طرفین مطرح است که سیاست‌های اقتصادی شناخته‌شده‌ای را در بر می‌گیرد و بر انتخابات تأثیر گذار است و سبب کاهش فقدان اطمینان بازار می‌شود:

$$IU_{n,t} = (I_{n,t} - O_{n,t}) / O_{n,t}$$

¹ Floros

² Chappell & Keech

³ Alesina & Sachs

⁴ Hensel & Ziemba

⁵ Białkowski & at el

⁶ Smales

IU به عنوان معیاری از فقدان اطمینان انتخابات فدرال استرالیا، ایجاد شده است که در آن n سال انتخابات و t زمان تا تاریخ انتخابات را نشان می‌دهد. رأی‌گیری در گزینه 2pp برای طرف بیرون از قدرت مطرح شده و 0 از نتیجه 2pp برای طرف نخست‌وزیر کم می‌شود. تفاوت‌ها از خطای نمونه‌گیری رأی‌گیری تقسیم می‌شوند. نتایج عملی نشان می‌دهد که نبود اعتماد انتخابات فدرال استرالیا، تأثیر چشمگیری بر بی‌اعتمادی بازار می‌گذارد. به‌خصوص، نوسانات ایجادشده در هر دو، نسبت بدهی به دارایی و گزینه‌های اوراق قرضه در تطابق با ضعف اطمینان اقتصادی حول نتایج انتخابات تغییر می‌کند؛ در حالی که در اوضاع دیگر ضعف در اطمینان بازار احتمال برنده شدن افراد حاکم کنونی را نشان داده است.

الهمراد سیف و همکارانش (۱۴۰۱)، کوشیده‌اند «نقش ثبات و امنیت اقتصادی در الگوی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، را واکاوی کنند. یافته‌های تحقیق نشان داده‌اند که سیاست‌های عملی تامین‌کننده ثبات و امنیت اقتصادی در الگوی اقتصاد مقاومتی ج.ا.ایران از نظر بازه زمانی تأثیرگذاری به سیاست‌های عملی ترمیم و بهبوددهنده، ظرفیت‌ساز و مقاوم‌ساز قابل تقسیم‌بندی هستند و دارای سه بعد تورم‌زدایی و تقویت پول ملی، کاهش بیکاری و توسعه اشتغال و امنیت اقتصادی است که هرکدام از آن‌ها نیز دارای مؤلفه‌های مرتبط به خود هستند. بدین ترتیب، روشن می‌شود که این مقاله بر امنیت اقتصادی در وجوه کلی آن، و نه نمونه خاص بازار سرمایه، متمرکز است و پیامدهای اعتراض‌برانگیز اجتماعی و سیاسی را نیز محور بررسی خود قرار نداده است.

هاشم زارع (۱۴۰۰)، کوشیده است تا «عدم اطمینان سیاسی و نوسانات بازار سهام در ایران: با توجه به تحولات بین‌المللی» را بررسی کند. نتایج این مطالعه نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار انتخابات ریاست‌جمهوری بر بازار سهام بوده است. علاوه بر این، دوره‌های گوناگون مذاکرات هسته‌ای و همین‌طور تحولات سیاسی منطقه‌ای بر شاخص بازار سهام تأثیر مستقیم و معناداری را نشان داده است. با توجه به هدف و دغدغه پژوهش مزبور، نویسنده درست بر وضعیتی برعکس پژوهش حاضر تمرکز کرده است؛ یعنی تأثیر تحولات سیاسی بر نوسانات بازار سرمایه را بررسی کرده است و نه، چنان‌که در پژوهش پیش‌رو محل اعتناست، تأثیر نوسانات بازار سرمایه بر کم‌وکیف اعتراضات اجتماعی و سیاسی.

عزیزی و همکارانش (۱۳۹۷)، مقاله‌ای را با عنوان «نقش راهبردی شاخص‌های امنیت اقتصادی در تقویت امنیت ملی کشور» با مفروض و تبدیل امنیت اقتصادی به نقطه مرکزی امنیت ملی و تمرکز بر گمرک ج.ا.ایران منتشر کرده‌اند و طبق نظرات نخبگان فعال در سازمان گمرک و حوزه تجارت شاخص‌های امنیت اقتصادی شناسایی شده‌اند. نتایج نشان داده است که از دید خبرگان و فعالان در حوزه تجارت و گمرک، مهم‌ترین شاخص امنیت اقتصادی، تولید ناخالص داخلی است. ضرورت توجه به معیارهای اقتصاد مقاومتی، استفاده از سامانه‌های الکترونیکی بومی، شفافیت و تسهیل رویه‌های گمرکی به‌ویژه برای صادرکنندگان در کنار سایر عوامل می‌تواند در جهت ارتقای امنیت اقتصادی کشور مؤثر واقع شود.

سلمانی بی‌شک و همکاران (۱۳۹۳)، در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی اثرات درآمد مالیاتی و امنیت اقتصادی در ایران» بیان می‌کنند که نقش نظام مالیاتی بر مبنای سه هدف عمده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بنا نهاده

شده است که علاوه بر نقش نظام مالیاتی به عنوان روش درآمدزا برای دولت بزرگترین وظیفه آن دفاع از امنیت اقتصادی فعالان اقتصادی است. این مطالعه رابطه علی بین درآمدهای مالیاتی و امنیت اقتصادی را در ایران طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۵۵ بر اساس آزمون علیت تودا یا ماموتو بررسی کرده است. نتایج حاکی از این است که در ایران رابطه علی یک سویه بین نسبت درآمدهای مالیاتی به GDP و امنیت اقتصادی وجود دارد. سلامت و امنیت اقتصادی کشور منوط به ایجاد ساختار درآمدی و مالیاتی سالم است با استقرار نظام مالیاتی قوی و ایجاد بسترهای فرهنگی مناسب و ترغیب مردم به پرداخت مالیات می توان انتظار تشکیل ساختار اقتصادی قوی را در کشور داشت، بنابراین، با توجه به پایین بودن نسبت درآمدهای مالیاتی به GDP در کشور و رابطه علی یک طرفه بین این متغیر و امنیت اقتصادی نظام مالیاتی نیازمند بازنگری اساسی است تا امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری در کشور تأمین شود و درآمدهای مالیاتی نیز افزایش یابد.

رسولی و فرزینوش (۱۳۹۴)، در مطالعه خود با عنوان «تبیین رابطه بین آزادی و امنیت اقتصادی با تشکیل سرمایه»، رابطه بین امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی بر تشکیل سرمایه در اقتصاد کشورهای در حال توسعه و کشورهای نوظهور را تبیین کرده اند. نتایج نشان می دهد که امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی اثر معناداری بر تشکیل سرمایه در اقتصادهای نوظهور دارد. به علاوه، در دو گروه از کشورهای مطالعه شده مشاهدات حاکی از تفاوت نوع تأثیرگذاری متغیرهای یاد شده در روند تشکیل سرمایه در اقتصاد است. در اقتصادهای نوظهور امنیت و ثبات اقتصادی در کنار آزادی اقتصادی، علاوه بر متغیرهای رشد اقتصادی و نرخ بهره، تأثیر مثبتی روی تشکیل سرمایه در این کشورها دارد. این در حالی است که در کشورهای در حال توسعه اثر متغیر کیفی امنیت اقتصادی معنادار و مهم تر از آزادی اقتصادی است؛ بدین معنی که وجود امنیت اقتصادی و تأمین آن تأثیر مهم تری نسبت به متغیر آزادی اقتصادی دارد.

رنجبر (۱۳۸۹) امنیت اقتصادی را از مهم ترین وظایف دولت ها می داند؛ چراکه با حفظ سرمایه داخلی و جذب هرچه بیشتر سرمایه گذاری خارجی، مسیر توسعه اقتصادی کشور سریع تر طی خواهد شد. امنیت اقتصادی در کشور حاصل نمی شود، مگر آنکه در سیاست گذاری اقتصادی به این مقوله توجه جدی شود که تاکنون این چنین نشده است. از امنیت اقتصادی به «حلقه مفقوده در اقتصاد ایران» یاد می شود.

برومند (۱۳۸۷) در کتاب «امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب» با اشاره به تبعات نبود فضای امن اقتصادی در کشور، اهمیت حیاتی این مقوله را در کشور روشن می کند. یکی از آثار زیانبار نبود امنیت اقتصادی در کشور، افزایش تمایل شهروندان به خرید دارایی های خارجی است که تبعاتی مانند کاهش ارزش پول ملی و افزایش نرخ ارز را به دنبال دارد. این پژوهش، راه رسیدن به امنیت اقتصادی را شناسایی و دفع تهدیدات علیه امنیت اقتصادی می داند که اقدام جدی دولت را در این زمینه می طلبد.

زارعشاهی (۱۳۷۹) نیز در تحقیقش به بررسی رابطه دو متغیر سیاست و امنیت اقتصادی پرداخته و افزایش ضریب امنیت اقتصادی در کشور را در گرو کاهش چهار نوع ریسک ملی که شامل سیاسی، سیاست گذاری اقتصادی، ساختار اقتصادی و نقدینگی می شود، دانسته است.

نتیجه ادبیات بررسی شده در اینجا نشان می دهد که رابطه نزدیکی بین عملکرد بازار سهام و امنیت ملی وجود دارد. رشد اقتصادی قوی تر به دلیل بهبود عملکرد بازار سهام می تواند منجر به افزایش هزینه های نظامی و

بهبود اعتماد عمومی به دولت یک کشور شود. علاوه بر این، برخی از جنبه‌های سیاست امنیت ملی مانند هزینه‌های دفاعی یا تحریم‌های بین‌المللی ممکن است بر بازارهای مالی تأثیر بگذارد. این بررسی اهمیت درک این رابطه را به منظور تضمین ثبات اقتصادی و سیاست‌های دفاعی مؤثر نشان می‌دهد.

چنان که ملاحظه می‌شود، این پژوهش‌ها همگی با پژوهش حاضر متفاوت‌اند. از یک سو از لحاظ بازه زمانی، پژوهش حاضر بسیار تازه است و هیچ‌یک از منابع مذکور چنین تحولات نزدیک به زمان انجام تحقیق ما را انجام نداده‌اند. از سوی دیگر، تحولات سیاسی-اجتماعی و اقتصادی و پیامدهای امنیتی منبث از این تحولات نیز دغدغه هیچ‌یک از تحقیقات بررسی شده نبود. علاوه بر این، پیوند نظری و تجربی بین تغییر و تحولات بازار سرمایه و اوضاع امنیت ملی در ابعاد کلان و فراگیر آن در هیچ یک از این پژوهش به‌طور خاص دغدغه محوری نبوده است.

۳. روش شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش کیفی تحلیل مضمون به‌منظور استخراج مدل نهایی استفاده خواهد شد. این روش اغلب با یک چارچوب واقع‌گرا یا اصولگرا، برای تشریح یا خلاصه‌سازی الگوهای موجود در داده‌ها استفاده می‌شود. از نظر براون و کالرک (۲۰۰۶)، یک تحلیل مضمون خوب شامل چیزی بیش از یک گزارش‌دهی ساده از این چیزی که در داده‌هاست، است. این روش شامل یک بیان تفسیری درباره داده‌ها در ارتباط با سؤال پژوهش است. این روش در حداقل خود داده‌ها را سازماندهی کرده و در قالب جزئیات بیان می‌کند. اما می‌تواند از این فراتر رفته و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند. رویکردهای کیفی بسیار متنوع، ظریف و پیچیده هستند و تحلیل مضمون باید به عنوان روشی اساسی برای تحلیل کیفی در نظر گرفته شود. تحلیل مضمون نخستین روش تحلیل کیفی است که محققان باید فرا بگیرند، زیرا این روش مهارت‌های اصلی که برای اجرای بسیاری از روش‌های دیگر تحلیل کیفی لازم است را فراهم می‌آورد. تحلیل مضمون یک منبع زمانی آغاز می‌شود که تحلیل‌گر الگوهای معنی و موضوعاتی که جذابیت بالقوه دارند را در نظر می‌گیرد. این تحلیل شامل یک رفت و برگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و خلاصه‌های کدگذاری شده و تحلیل داده‌هایی است که به وجود می‌آیند. نگارش تحلیل از همان مرحله اول شروع می‌شود. به‌طور کلی، هیچ راه منحصر به فردی برای شروع مطالعه درباره تحلیل تم وجود ندارد. اما برای این کار مراحل شش‌گانه‌ای در نظر گرفته شده است. این روش یک فراگرد بازگشتی است که در آن حرکت به جلو عقب در بین این مراحل شش‌گانه وجود دارد.

مرحله ۱. آشنایی با داده‌ها: برای اینکه محقق با عمق و گستره محتوایی داده‌ها آشنا شود، لازم است خود را تا اندازه‌ای در میان داده‌ها غوطه‌ور سازد. غوطه‌ور شدن در داده‌ها معمولاً شامل بازخوانی مکرر داده‌ها و خواندن داده‌ها به‌صورت فعال است.

مرحله ۲. ایجاد: این مرحله زمانی شروع می‌شود که محقق داده‌ها را خوانده و با آنها آشنا شده است. این مرحله شامل ایجاد کدهای اولیه می‌شود که به نظر تحلیل‌گر جالب است.

مرحله ۳. جست‌وجوی مضمون مورد نظر: این مرحله شامل دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب تم‌های بالقوه و مرتب کردن همه خلاصه‌های کدگذاری شده در قالب مضامین مشخص شده است. در واقع،

محقق تحلیل کدهای خود را شروع کرده و در نظر می‌گیرد که چگونه کدهای مختلف می‌تواند برای ایجاد یک تم کلی ترکیب شوند.

مرحله ۴. بازبینی کدها: در این مرحله محقق مجموعه‌ای از کدها را ایجاد کرده و آن‌ها را بازبینی می‌کند. این مرحله خود به دو بخش تقسیم می‌شود. در بخش اول بازبینی در سطح خالصه‌های کدگذاری شده صورت می‌گیرد. و در بخش دوم اعتبار مضامین در رابطه با مجموعه داده‌ها در نظر گرفته می‌شود. اگر مسیر طی شده به‌خوبی کار کند، آنگاه می‌توان به مرحله بعد رفت. اما چنانچه مسیر با مجموعه داده‌ها همخوانی الزم را نداشته باشد، محقق مجبور به برگشت و انجام کدگذاری مجدد تا رسیدن به یک نقشه رضایت‌بخش است. در این مرحله پژوهشگر باید آگاهی کاملی از اینکه مضمون‌های مختلف کدام‌ها هستند و چگونه با یکدیگر تناسب دارند، در اختیار داشته باشد.

مرحله ۵. تعریف و نامگذاری مضامین: پس از اینکه نقشه رضایت‌بخش از کدگذاری‌ها حاصل گردید، محقق کدها و مضمون‌هایی را که برای تحلیل خود ارائه کرده است را تعریف کرده و مجدداً آن‌ها را بازبینی می‌کند. با این کار، ماهیت آنچه که مضمون درباره آن بحث می‌کند مشخص شده و تعیین می‌شود که هر کد چه جنبه‌ای داده‌ها را در خود قرار داده است.

مرحله ۶. تهیه گزارش: این مرحله همان‌گونه که از نام آن نیز مشخص است، شامل تحلیل پایانی و نگارش گزارش می‌شود.

در پژوهش حاضر، جهت تجزیه و تحلیل نظریه داده بنیان از نرم‌افزار Maxqda استفاده می‌شود. به‌طور کلی، از این نرم‌افزار برای تحلیل داده‌های کیفی در رویکردهای مختلف پژوهش کیفی بهره‌گیری می‌گردد. بهره‌گیری از محیط تحلیل کیفی Maxqda که جهت کدگذاری داده‌های کیفی وجود دارند، این امکان را برای پژوهشگران فراهم کرده تا به‌صورت هم‌زمان کدها، قطعات کدگذاری شده و مصاحبه‌ها را در اختیار داشته باشند و با چند حرکت ساده، به همه موارد مورد نظر در ارتباط با یک کد خاص دسترسی پیدا کنند (نیازی و نظری، ۱۳۹۷).

به‌طور کلی، در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و میدانی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده خواهد شد. در روش کتابخانه‌ای با مراجعه به کتب و مقالات فارسی و لاتین بخش مهمی از اطلاعات و داده‌های مورد نیاز گردآوری گردیده و همچنین از اینترنت به عنوان منبع اطلاعات روز علمی و مستندات کتبی و تصویری در حوزه پژوهش، بهره‌گیری خواهد شد. در روش میدانی نیز داده‌های مورد نیاز جهت بررسی و تجزیه و تحلیل، از طریق مصاحبه با خبرگان موضوع به دست می‌آید.

جامعه تحت مطالعه این پژوهش را می‌توان به ۵ گروه کلی شامل: کارشناسان پلیس امنیت اقتصادی، کارشناسان بازار سرمایه (شاغل در سازمان بورس و اوراق بهادار تهران)، خبرگان آکادمیک، کارشناسان شاغل در معاونت پیشگیری از جرم قوه قضاییه و وکلای رسمی فعال در حوزه امنیت اقتصادی تقسیم نمود. در واقع روش نمونه‌گیری در این پژوهش ترکیبی از دو روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند (قضاتوی) و نمونه‌گیری گلوله برفی است. با توجه به ماهیت روش نمونه‌گیری، در نهایت حجم نمونه این پژوهش برابر است خبرگان در دسترس و متمایل به همکاری تعیین خواهند شد. در حقیقت، علت بهره‌گیری از نمونه‌گیری غیرتصادفی

هدفمند - نمونه‌گیری قضاوتی در این پژوهش این است که، در اینجا افرادی برای نمونه انتخاب می‌شوند که برای ارائه اطلاعات ضروری در بهترین موقعیت قرار دارند. از طرفی دیگر، دلیل بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری گلوله برفی، زنجیره‌ای، شبکه‌ای یا نمونه‌گیری بر اساس شهرت در این پژوهش، این است که این روش زمانی استفاده می‌شود که چارچوب نمونه‌گیری وجود ندارد و از طرفی افراد از یکدیگر شناخت دارند و دارای ویژگی‌های مشترک هستند و از طریق آن‌ها و با توجه به ویژگی‌هایی که مدنظر پژوهشگر است، به خبرگان بعدی می‌رسد. این نمونه‌گیری که در پژوهش‌های کیفی رایج است، خود گونه‌ای از روش هدفمند است. در این روش، حجم نمونه مثل گلوله برف، که همان‌طور که می‌چرخد برف بیشتری به خودش جذب می‌کند، در مسیر پژوهش بزرگ‌تر می‌شود. این فن شامل شناسایی برخی افراد مهم یک جمعیت و مصاحبه با آن‌ها است، سپس پژوهشگر به پیشنهاد این افراد برای مصاحبه به سراغ افراد دیگر می‌رود.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

به‌منظور بهره‌گیری از نظرات خبرگان، به ارگان‌ها مربوطه مراجعه شد و در نهایت مطابق پرس‌وجوهای انجام‌شده و میزان همکاری دستگاه‌های یاد شده، به تعداد ۲۱ نفر از خبرگان دست یافته شد که اطلاعات جمعیت‌شناختی آن‌ها به شرح جدول شماره (۱) است.

جدول شماره (۱) توصیف جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

نوع مشخصات	مشخصات	تعداد	فراوانی نسبی (درصد)
جنسیت	آقا	۱۸	۸۵٪
-	خانم	۳	۱۵٪
مدرک تحصیلی	کارشناسی	۹	۴۳٪
-	کارشناسی ارشد	۷	۳۳٪
-	دکتری	۵	۲۴٪
سابقه کاری	۳ تا ۵ سال	۲	۱۰٪
-	۶ تا ۱۰ سال	۷	۳۳٪
-	بیشتر از ۱۰ سال	۱۲	۵۷٪
نوع خبره	شاغل در اداره پلیس امنیت اقتصادی فراجا	۴	۱۹٪
-	کارشناس بازار سرمایه	۴	۱۹٪
-	خبرگان دانشگاهی (خبرگان آکادمیک)	۵	۲۴٪
-	کارشناس پیشگیری از جرم قوه قضاییه	۴	۱۹٪
-	وکالی فعال در حوزه امنیت اقتصادی	۴	۱۹٪

منبع: یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، از پرسشنامه با سؤالات باز استفاده گردید که به نوعی تداعی‌کننده مصاحبه تماماً ساختاریافته است. سؤالات مطرح شده در راستای دستیابی به اطلاعاتی همچون: (۱) اهمیت مسائل اقتصادی و دیدگاه مردم درباره آن؛ (۲) بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی در مباحث امنیتی و جنبش‌های اعتراضی؛ (۳) نقش بازار

سرمایه در اقتصاد کشور ایران؛ (۴) ارتباط میان افت و خیز ارزش سهام‌ها در بورس و تحت تأثیر قرار دادن امنیت ملی در کشور ایران؛ (۵) اثرات و بازتاب نوسانات شدید بورس در سال ۱۳۹۹ در وضعیت امنیتی کشور ایران، تدوین شده است. در واقع سؤالات به گونه‌ای طراحی شده که بتواند ما را در دستیابی به اهداف پژوهش یاری نموده و از طرفی با طرح چنین سؤالاتی می‌توان میزان همبستگی پاسخ‌های پاسخ‌دهنده را نیز از نظر کیفی بررسی کرد.

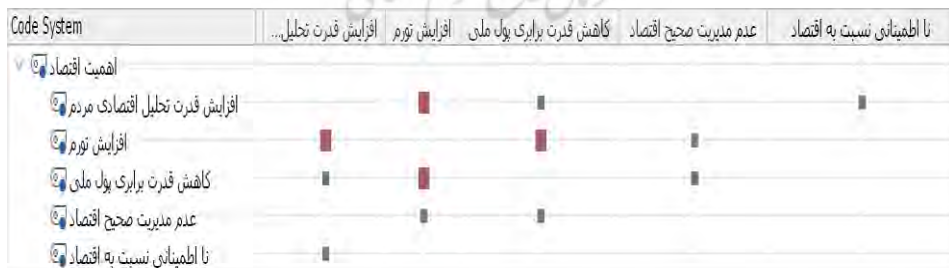
۴-۲-۱. اهمیت مسائل اقتصادی در دیدگاه مردم

در این بخش، طی یک سؤال از متخصصین یاد شده خواسته شد تا نظر خود را درباره تغییر دیدگاه مردم نسبت به مسائل اقتصادی بیان کنند. در واقع هدف از این سؤال این است که دریابیم مردم کشور ایران اهمیت مسائل اقتصادی را در زندگی خود تا چه حد دارای اهمیت می‌دانند و دیدگاه آن‌ها درباره این موضوع از نظر متخصصین چه تغییری کرده است. برای این منظور پاسخ‌های خبرگان تجزیه و تحلیل گردید. نتایج حاصل از این بحث به‌صورت آماری و نموداری به شرح زیر به دست آمده است:

جدول شماره (۲) نتایج به دست آمده از سؤال اول

فکتورها	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی معتبر
اهمیت اقتصاد\بی‌اعتماد درباره اقتصاد	۱۱	۲۸/۹۵	۲۸/۹۵
اهمیت اقتصاد\افزایش تورم	۱۰	۲۶/۳۲	۲۶/۳۲
اهمیت اقتصاد\افزایش قدرت تحلیل اقتصادی مردم	۶	۱۵/۷۹	۱۵/۷۹
اهمیت اقتصاد\کاهش قدرت برابری پول ملی	۶	۱۵/۷۹	۱۵/۷۹
اهمیت اقتصاد\عدم مدیریت صحیح اقتصاد	۵	۱۳/۱۶	۱۳/۱۶
اهمیت اقتصاد	۰	۰	۰
اسناد با کد	۳۸	۱۰۰	۱۰۰
اسناد بدون کد	۰	۰	-
اسناد تجزیه و تحلیل شده	۳۸	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل شماره (۲) ماتریس کدبندی پاسخ‌ها برای سؤال اول

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج نشان می‌دهند که موضوع اقتصاد و ابعاد آن در زندگی مردم ایران اهمیتی بیش از پیش پیدا کرده است. به طوری که از تعداد ۲۱ خبره پاسخ‌دهنده، ۲۰ نفر به این سؤال پاسخ‌ها داده‌اند و هیچکدام از خبرگان پررنگ‌تر شدن اهمیت موضوع اقتصاد را انکار نکرده‌اند. در این میان، با توجه به نتایج به دست آمده ۳۰ درصد از کدهای خبرگان این پژوهش نشان می‌دهد که در بحث امور اقتصادی، مردم کشور درباره اقتصاد ایران دچار بی‌اعتمادی و بدبینی شده‌اند. به عبارت دیگر از مجموع ۳۸ کد حاصل شده برای ارزیابی اهمیت ابعاد اقتصاد در دسته اخیر از دیدگاه مردم، ۱۱ کد مختص به گزاره‌های اشاره شده به بی‌اعتمادی اقتصاد ایران را در بر می‌گیرد. بی‌اعتمادی در اقتصاد می‌تواند تبعات ناخوشایندی را در رشد و تعالی اقتصادی به دنبال داشته باشد و به پیامدهای متعددی همچون هدررفت سرمایه‌های نقدی و غیرنقدی مردم منجر شود. زمانی که اقتصاد کشور دچار بی‌اعتمادی می‌شود، به طور کلی، دیدگاه درباره کشور منفی می‌شود و افراد نمی‌توانند برنامه‌ریزی‌های بلند مدت را در دستور کار خود قرار دهند. از طرفی، این عامل خود باعث می‌شود تا افرادی که توانایی بیشتری دارند به فکر خروج سرمایه‌های خود از کشور افتاده و افراد کم‌توان نیز اعتماد خود را به سیستم حاکمیتی از دست بدهند.

بحث بعدی برای ارزیابی اهمیت ابعاد مسئله اقتصادی، مربوط به واژه‌ای نام آشنا در اقتصاد ایران، یعنی تورم، است. حدود ۲۶ درصد از کدهای به دست آمده از پاسخ‌های کارشناسان خبره این پژوهش حاکی از آن است که اهم موضوعات اقتصادی از بعد تورم برای مردم دارای اهمیت گشته است. از نظر آمار تحلیلی نیز واژه تورم و گزاره‌های مربوط به آن تعداد ۱۰ کد از مجموع ۳۸ کد به دست آمده را شامل شده است. به طور کلی، تورم به خودی خود مشکلات فراوانی را به وجود می‌آورد که کاهش درآمد واقعی افراد از جمله آن‌ها است. اما ارتباط آن با موضوع حاضر را می‌توان از بعد ایجاد پیش‌زمینه‌هایی برای نارضایتی عمومی تحلیل نمود. زمانی که تورم رو به افزایش می‌گذارد و درآمد کل واقعی عموم افراد کاهش پیدا می‌کند و در این بین عده اندکی با سوار شدن بر موج تورم سودهای کلانی را کسب می‌نمایند، زمینه بروز نارضایتی ایجاد می‌شود. همان‌گونه که اشاره شد، تحلیل‌ها نشان می‌دهد موضوع اقتصاد به یکی از دغدغه‌های اصلی مردم تبدیل شده است و بدین ترتیب دور از انتظار نیست که عملکرد نادرست اقتصاد به جنبه‌های دیگری از نارضایتی نیز دامن می‌زند و امنیت عمومی با تهدید مواجه می‌شود.

با توجه به تحلیل‌ها، حدود ۱۶ درصد از گزاره‌های حاصل شده نشان می‌دهند که قدرت تحلیل و آگاهی‌های بالا رفته موجب شده تا مردم درباره موضوعات متعدد از جمله اقتصاد حساسیت بیشتری پیدا کنند؛ به گونه‌ای که تعداد ۶ از کد از مجموعه ۳۸ کد حاصل شده، مربوط به اهمیت موضوع اقتصاد و سرمایه‌گذاری از بعد تحلیل‌ها و رفتارهای اقتصادی مردم است. به عبارت صریح‌تر، زمانی که مردم دارایی خود را به جای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد، به دارایی‌های نازایی همچون طلا و سکه اختصاص می‌دهند، می‌توان نتیجه گرفت که مردم اقتصاد را درک می‌کنند، آن را تحلیل می‌کنند و به تبع آن می‌توانند آن را متأثر کرده و از آن تأثیر پذیرند.

نتایج به دست آمده همچنین بیانگر آن است که کاهش قدرت برابری پول ملی از نظر ارزش‌های خارجی و استانداردهای جهانی با حدود ۱۶ درصد از نظر خبرگان، باعث شده تا مردم بیشتر درباره اقتصاد و متغیرهای آن

اهمیت نشان دهند. این گزاره نیز همچون کد قبلی، تعداد ۶ کد از مجموع ۳۸ کد به دست آمده برای اهمیت مسائل اقتصادی را در بر گرفته است. کاهش ارزش پول ملی که در ایران بزرگترین عامل آن تورم است، می‌تواند اثرات سوء زیادی را علاوه بر اقتصاد در زمینه‌های اجتماعی نیز در بر داشته باشد. به لطف فضای مجازی و افزایش ابزارهای آگاهی‌دهنده، مردم در طی زمان‌های اخیر با خبرها و فضای رسانه‌ای بیشتر از قبل درگیر شده‌اند. زمانی که اخبار مربوط به نوسانات اقتصادی، تورم و کاهش ارزش پول ملی به‌صورت مکرر برای مردم تکرار می‌شود و از طرفی شبکه‌ها و خبرگزاری‌های معاند اغراق در این خبرها را برای پاشیدن بذر ناامیدی به کار می‌گیرند، به‌صورت ناخودآگاه در ضمیر مردم پیش‌زمینه‌ای از نارضایتی ایجاد می‌شود و باعث می‌شود که حتی کوچکترین اتفاقات نیز به بروز نارضایتی‌ها منجر شده و به تبع آن امنیت ملی تهدید شود. آخرین گزاره حاصل از کدگذاری باز به‌منظور بیان ابعاد اهمیت اقتصاد و سرمایه‌گذاری مربوط به این بحث است که خبرگان و کارشناسانی که با موضوعات مربوط به اقتصاد و امنیت ملی سروکار دارند بیان می‌کنند از نظر مردم فقدان مدیریت صحیح سیستم اقتصادی منجر شده تا مردم اهمیت مسائل اقتصادی را بیش از پیش احساس کرده و حساسیت بیشتری به آن نشان دهند. اختصاص ۱۳ درصد از کدها به بحث‌های مربوط به نبود مدیریت صحیح اقتصاد این موضوع را تأیید می‌کند. ساختار دولتی اقتصاد ایران باعث شده تا مردم، مدیران دولتی و مسئولین سیاسی را بیش از حد معمول در پیشامدهای اقتصادی دارای مسئولیت بدانند.

۴-۲-۲. ارتباط متغیرهای کلان اقتصادی و امنیت ملی

در سؤال دوم، از خبرگان خواسته شد تا به‌این سؤال پاسخ‌ها دهند که متغیرهای کلان اقتصادی تا چه حد می‌تواند امنیت ملی را متأثر کند. هدف از طرح این پرسش، بررسی ابعاد و چگونگی ارتباط مسائل و مشکلات اقتصادی با امنیت اجتماعی و بروز نارضایتی‌های عمومی است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل نظرات ۲۱ خبره حوزه مسائل اقتصادی و امنیتی، به شرح زیر است:

جدول شماره (۳) نتایج به دست آمده از سؤال دوم

فاکتورها	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی معتبر
افزایش بدبینی	۱۱	۵۲/۳۸	۶۱/۱۱
کاهش درآمد واقعی	۶	۲۸/۵۷	۳۳/۳۳
آزاد سازی اقتصاد	۴	۱۹/۰۵	۲۲/۲۲
فقدان توزیع مناسب درآمد	۳	۱۴/۲۹	۱۶/۶۷
اقتصاد دولتی	۳	۱۴/۲۹	۱۶/۶۷
عدم سودآوری اقتصاد	۳	۱۴/۲۹	۱۶/۶۷
فساد اقتصادی	۲	۹/۵۲	۱۱/۱۱
اسناد با کد	۱۸	۸۵/۷۱	۱۰۰
اسناد بدون کد	۳	۱۴/۲۹	-
اسناد تجزیه و تحلیل شده	۲۱	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

Code System	آزاد ...	اقتد...	عدم ...	افزاید...	فسا...	عدم ...	کاهش...	اقتد...
اقتصاد و امنیت ملی								
آزاد سازی اقتصاد			■					
اقتصاد دولتی						■		
عدم توزیع مناسب درآمد								■
عدم سودآوری اقتصاد			■					■
افزایش بدبینی					■			
فساد اقتصادی			■					
کاهش درآمد واقعی					■			■
اهمیت اقتصاد								

شکل شماره (۳) ماتریس کدبندی سؤال دوم

منبع: یافته های پژوهش

یافته‌ها نشان می‌دهد که خبرگان مسائل اقتصادی را از هفت بعد با امنیت ملی در ارتباط می‌دانند. یکی از مهم‌ترین عوامل موجود افزایش بدبینی افراد جامعه درباره اقتصاد در کشور ما است. تجزیه و تحلیل کدهای مربوط به این سؤال حاکی از آن است که ۶۱ درصد از کدهای استخراج شده افزایش بدبینی جامعه درباره اقتصاد را شامل می‌شود و می‌تواند به ناآرامی‌ها دامن بزند. به عبارت دیگر تعداد ۱۱ کد از مجموع ۳۸ کد استخراج شده برای این سؤال مربوط به این مقوله است. زمانی که اعتماد عمومی درباره اقتصاد از بین می‌رود، مردم به کل سیستم حاکمیتی بدبین می‌شوند. بدین ترتیب، زمانی که بدبینی اقتصادی رو به افزایش می‌گذارد باید انتظار داشت که سیاست‌ها و تصمیمات کلان منجر به ایجاد نارضایتی و اعتراضات گردیده و با سوء استفاده دیگران از این شرایط، امنیت ملی با خطر روبه‌رو گردد.

از طرف دیگر، وضعیت تورمی کشور باعث شده تا درآمد واقعی افراد کاهش پیدا کند و این امر خود هم به ایجاد بدبینی درباره اقتصاد منجر شود و هم زمینه را برای بیان اعتراضات به وضعیت معیشتی فراهم آورد. در تحلیل‌هایی که از پاسخ‌های خبرگان به عمل آمد، ۳۳ درصد از کدها مربوط به بحث کاهش درآمد واقعی عموم جامعه است که باعث می‌شود جنبش‌های اعتراضی توسط مردم ایجاد شود و در مراحل بعدی به تهدیدات امنیت ملی تبدیل گردد. به بیان دیگر این مقوله ۶ کد از مجموع ۳۸ کد مستخرج برای سؤال دوم را شامل می‌شود. در این میان عوامل دیگری نیز هستند که از نظر خبرگان می‌تواند ارتباط میان متغیرهای کلان اقتصادی و امنیت ملی را توضیح دهند. مثلاً تحلیل‌های ما نشان داد که ۲۲ درصد از کدهای مقوله‌های این پرسش، به ارتباط کشور ایران با سایر کشورها از نظر تجاری و اقتصادی اشاره می‌کنند؛ یعنی کارشناسان اقتصادی و انتظامی و امنیتی بیان می‌کنند که آزاد کردن اقتصاد برای تجارت بهتر و دادوستد آسان با سایر کشورهای دنیا می‌تواند شرایط مناسبی را از نظر اقتصادی فراهم آورده و بخشی از حساسیت‌های مردم به مسائل اقتصادی را کاهش دهد و به امنیت اقتصادی منجر گردد. در بحث‌های بعدی که مطرح شده، خبرگان عقیده دارند که فقدان توزیع مناسب درآمد در کشور یکی از عوامل اقتصادی زمینه‌ساز ایجاد نارضایتی عمومی و به دنبال آن

تهدیدهای امنیتی است. خبرگان در ۳ کد مربوط از مجموع ۳۸ کد مقوله‌سازی ارتباط بین متغیرهای کلان اقتصادی و امنیت ملی مطرح می‌کنند که برخی از شرایط حاکم باعث شده تا عده اندکی با استفاده از رانت‌هایی که ایجاد می‌کنند به موقعیت‌هایی دست پیدا کنند که موجب بهتر شدن شرایط آن‌ها به قیمت بدتر شدن شرایط عده‌ای دیگر گردد و این عامل موجب افزایش خشم عمومی در قابل سیستم حاکم گردیده و از این طریق نارضایتی و ناامنی ایجاد نماید. از طرفی، عده‌ای عقیده دارند که اندازه دولت در اقتصاد ایران بسیار بزرگ است و این عامل باعث می‌شود تا مردم خود را در اداره اقتصاد و مشکلات موجود دارای نقش ندانسته و تمامی انگشت‌های اتهام به سمت دولت برده شود. در این صورت زمانی که اقتصاد با مشکل مواجه می‌شود مردم به سیستم حاکمیتی اعتراض می‌نمایند. این عامل نیز همانند مقوله فقدان توزیع مناسب درآمد، ۱۶ درصد از کدها (تعداد ۳ از مجموع ۳۸ کد) را به خود اختصاص داده است.

در ادامه بررسی پاسخ‌های مردم به ارتباط میان متغیرهای کلان اقتصادی و امنیت اقتصادی در یافتیم که از نظر کارشناسان کاهش سود آوری فعالیت‌های اقتصادی در ایران یکی دیگر از ابعاد این ارتباط است. افزایش بی‌رویه نقدینگی‌ها در دسته اخیر و بی‌ثباتی در شرایط حاکم موجب شده تا سود سرمایه‌گذاری‌ها همواره از تورم موجود عقب‌تر مانده و اوضاع به گونه‌ای باشد که مردم نتوانند ارزش دارایی‌های نقدی خود را حفظ نمایند. از این رو، باز هم بدبینی به اقتصاد و به تبع آن سیستم حاکمیتی افزایش یافته و جنبش‌های اعتراضی به بهانه‌های مختلف ایجاد شود که نتیجه آن تهدید امنیت ملی کشور است. آخرین موردی که از مصاحبه خبرگان برای این سؤال قابل استخراج بود، بحث افزایش فساد اقتصادی در کشور بود. ۱۱ درصد از کدهای مستخرج حاکی از آن است که زمانی که اخبار مربوط به گسترش فسادهای اقتصادی و بحث‌هایی همچون اختلاس‌ها و دریافت حقوق نجومی به صورت مکرر به گوش مردم می‌رسد، زمینه را برای بروز ناآرامی‌ها و جنبش‌های اعتراضی فراهم می‌آورد. با توجه به اینکه تحلیل‌ها نشان داد اندازه دولت در اقتصاد ایران زیاد است، پس دور از انتظار نیست که توجه عموم در هنگام وقوع فسادها، به سمت سیستم حاکم معطوف گردد. لذا مشاهده می‌شود که پاسخ‌ها دارای یک روایی مناسب است و به عبارتی اکثر مطالب در یک راستا بیان می‌شود که این خود نوعی پایایی در مطالب را نشان می‌دهد.

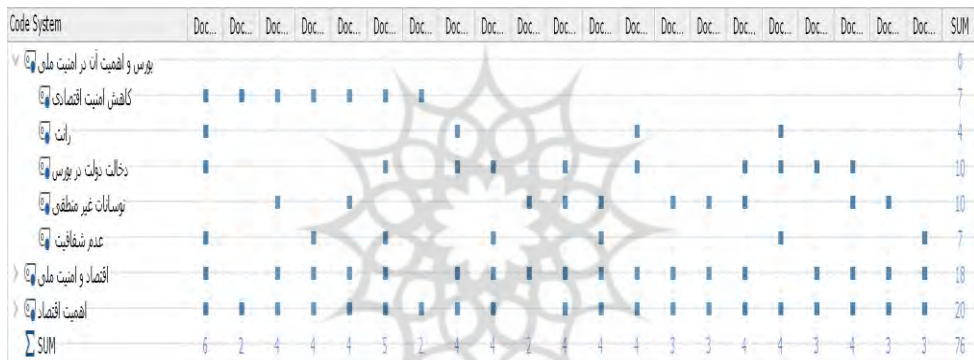
۴-۲-۳. بازار سرمایه (بورس) و اهمیت آن در امنیت ملی

پس از مطرح کردن سؤالات اولیه و تجزیه و تحلیل نظرات کارشناسان درباره اهمیت اقتصاد و متغیرهای مربوط به آن در برقراری یا کاهش امنیت ملی، به طرح یکی از سؤالات مهم این پژوهش پرداختیم. در این بخش از سؤالات از خبرگان مورد مصاحبه خواسته شد تا نظر خود درباره بازار بورس ایران و ارتباط آن با امنیت ملی را شرح دهند. نتایج حاصل از کدبندی و مقوله‌بندی پاسخ‌ها که از نرم‌افزار Maxqda استخراج گردیده است، به شرح زیر است:

جدول شماره (۴) نتایج به دست آمده از سؤال سوم پژوهش

فاکتورها	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی معتبر
دخالت دولت در بورس	۱۵	۳۰/۶۱	۳۰/۶۱
نوسانات غیرمنطقی	۱۲	۲۴/۴۸	۲۴/۴۸
کاهش امنیت اقتصادی	۱۱	۲۲/۴۴	۲۲/۴۴
عدم شفافیت	۷	۱۴/۲۸	۱۴/۲۸
رانت	۴	۸/۱۹	۸/۱۹
اسناد با کد	۴۹	۱۰۰	۱۰۰
اسناد بدون کد	۰	۰	-
اسناد تجزیه و تحلیل شده	۴۹	۱۰۰	-

منبع: یافته های پژوهش



شکل شماره (۴) ماتریس کدبندی سؤال سوم

منبع: یافته های پژوهش

رشد و توسعه اقتصادی، نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان است و این سرمایه‌گذاری‌ها هیچ‌گاه نمی‌توانند بر اساس بازار منابع کوتاه‌مدت تأمین مالی شوند. ایجاد یک بازار سرمایه قوی و کارآمد زیرساخت اساسی تأمین مالی بلندمدت هر کشور را تشکیل می‌دهد. از طریق بازارهای مالی می‌توان فرآیند تشکیل سرمایه را سرعت بخشید. بازارهای مالی به دلیل نقشی که در گردآوری منابع مالی از طریق پس‌اندازهای کوچک و بزرگ دارند و همچنین نقشی که در هدایت منابع مالی به سوی مصارف و نیازهای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصادی دارند، مورد توجه‌اند. به‌طور کلی هدف از تشکیل بورس، جمع‌آوری سرمایه‌ها و هدایت آن به سمت فعالیت‌های اقتصادی است. بازار بورس به کسب‌وکارها و کارآفرینان کشور به‌منظور ارائه سرمایه به شرکت‌هایی که به آن نیاز دارند، می‌تواند کمک کند. در یک اقتصاد سالم و پویا، با این روش می‌توان از حرکت سرمایه‌ها به سوی فعالیت‌های سفته‌بازانه جلوگیری نمود. از طرفی، با پایان جنگ سرد و طرح مسائل مربوط به جهانی شدن در نظام اقتصاد سیاسی جهان، منابع نرم‌افزاری سیاست‌های امنیتی، با وجود تداوم اهمیت ابعاد

سخت افزاری امنیت، جایگاه ویژه ای پیدا کرده‌اند. در این دوران امنیت به شکل بسیط، مطرح و بیش از پیش مسائل اقتصادی و توسعه اقتصادی مبنای اقتدار دولت‌ها قرار گرفت و امنیت ملی در این راستا مفهوم‌سازی شد. یعنی امنیت علاوه بر بعد نظامی آن، در جنبه‌های اقتصادی، محیط زیستی، فرهنگی و غیره نیز تبلور یافته است. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که بازار سرمایه به عنوان یکی از چرخ دنده‌های مهم موتور اقتصادی جامعه می‌تواند نقش بی بدیلی را ارتقاء یا کاهش امنیت ملی ایفا نماید. بررسی و تحلیل‌های انجام شده از پاسخ‌های مصاحبه‌کنندگان نیز نشان می‌دهد که اهمیت این موضوع بر خبرگان و صاحب نظران نیز پوشیده نیست و توجه به آن یکی از ضروریات است. در این میان اما کارشناسان مصاحبه‌شونده در این مطالعه، ارتباط بازار سرمایه با امنیت ملی در کشور ایران را از ۵ بعد دارای اهمیت می‌دانند. دخالت نهادهای حاکمیتی و به عبارتی دخالت دولت در بازار سرمایه ایران بزرگترین مشکلی است که به نظر کارشناسان می‌تواند امنیت ملی ایران را از طریق بازار سرمایه تحت شعاع قرار دهد. نتایج حاصل از بررسی کدهای مربوط به این سؤال نشان می‌دهد که تعداد ۱۵ کد از مجموع ۴۹ کد به این مقوله اختصاص داده شده است. به بیان صریح‌تر، ۳۰/۶۱ درصد از نظرات تأکید می‌کنند که دولت و سیستم حاکمیتی بازار سرمایه را به صورت دستوری هدایت می‌کند. یعنی شرکت‌های دولتی بزرگ به صورت بازارگردان عمل کرده و جهت بازار را به هر سویی می‌چرخاند که برای آن‌ها دارای منفعت باشد و زمانی که این حرکات اسباب زیان تعداد زیادی از سهام‌داران را فراهم می‌آورد، هم اقتدار اقتصاد ایران به واسطه سقوط ارزش‌های سهام کاهش پیدا می‌کند و به دنبال آن امنیت ملی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و هم نارضایتی‌هایی را به دنبال دارد که آن نیز به نوبه به اعتراضات دامن زده و با ناآرامی‌هایی که در پی دارد، امنیت عمومی را به خطر می‌اندازد.

مسئله بعدی، بحث نوسانات غیرمنطقی را در بر می‌گیرد. اختصاص ۱۲ کد از ۴۹ کد به این مقوله نشان از اهمیت این موضوع دارد. زمانی که سهام‌ها به صورت پی‌درپی با صعود و نزول‌هایی شدید مواجه می‌شوند، حتی افرادی که آشنایی چندانی با تحلیل‌های اقتصادی و تخصصی ندارند نیز متوجه می‌شوند که بازار روند با ثباتی را طی نمی‌کند و هر لحظه ممکن است جهت آن بدون هیچ تحلیل منطقی تغییر نماید. این مورد سبب می‌شود تا برخی از سهام‌ها به صورت حبابی افزایش قیمت پیدا کرده و تعداد زیاد دیگر از سهام‌ها نیز با سقوط ارزش به صورت ناگهانی و غیرمنطقی مواجه شوند و سهام‌داران این سهام‌ها از این موضوع عصبانی شوند. آمارها نشان می‌دهند که در طی چند سال اخیر بازار سرمایه ایران نوسانات شدید داشته و از طرفی با توجه به آموزش ندیدن تعداد کثیری از افرادی که در این بازار سرمایه‌گذاری می‌کنند، موجب شده تا نارضایتی‌ها از ناحیه مشکلات اقتصادی که امروزه گریبان‌گیر کشور شده است بیش از پیش افزایش پیدا کرده و همواره این موضوع مورد سوء استفاده مخالفان قرار گیرد و مردم را تحریک نماید تا به جای تلاش به بازسازی اقتصادی، دست به اعتراضاتی بزنند که جز ناامنی و برهم زدن تمرکز برای بهتر شدن شرایط، نتیجه دیگری را در بر نداشته باشد. خبرگان مصاحبه‌شونده در پاسخ‌های خود ۲۲/۴۴ درصد از کدهای خود را به مقولات مربوط به کاهش امنیت اقتصادی به واسطه کاهش سودآوری بازار سرمایه ایران عنوان کرده‌اند. کارشناسان عقیده دارند که زمانی که بازار بورس ایران سودآوری و ثبات لازم را ندارد موجب می‌شود که افراد به سوی بازارهایی همچون ارزهای دیجیتال و بازارهای مالی خارجی (فارکس) روی بیاورند که هیچ تأثیر مثبتی در اقتصاد ملی ندارد و صرفاً سرمایه

را از چرخه اقتصادی ملی خارج می‌کند و امنیت اقتصادی را کاهش می‌دهد. از طرف دیگر، چون این بازارها عموماً در سایت‌های خارجی فعال هستند کاربران می‌توانند با هر محتوایی روبه‌رو گردند. بدین ترتیب این صفحات می‌توانند حاوی محتواهای تحریک‌کننده از سوی معاندین بوده یا حتی کاربران می‌توانند با کلاهبرداری‌های اینترنتی نیز مواجه گردند که در صورت نتیجه یکسان است و به کاهش امنیت اقتصادی و به تبع آن کاهش امنیت ملی می‌انجامد.

در ادامه کارشناسان مباحث دیگری همچون فقدان شفافیت کافی در بازار سرمایه و امکان ایجاد برخی از رانت‌ها برای افرادی خاص است که موجب می‌شود سرمایه‌ها از بازار بورس خارج شده و ضمن مشکلاتی که برای شرکت‌های بورسی و رشد آن‌ها ایجاد می‌کند، امنیت اقتصادی و عمومی را کاهش می‌دهد و مردم را با نارضایتی مواجه می‌کند. مقوله نبود شفافیت در بازار سرمایه تعداد ۷ کد (۱۴/۲۸ درصد) از مجموع ۴۹، و مقوله رانت با اهمیتی کمتر تعداد ۴ کد از مجموع ۴۹ (۸/۱۹ درصد) را به خود اختصاص داده‌اند.

۴-۲-۴. بازتاب‌های امنیتی نوسانات بورس در سال ۱۳۹۹

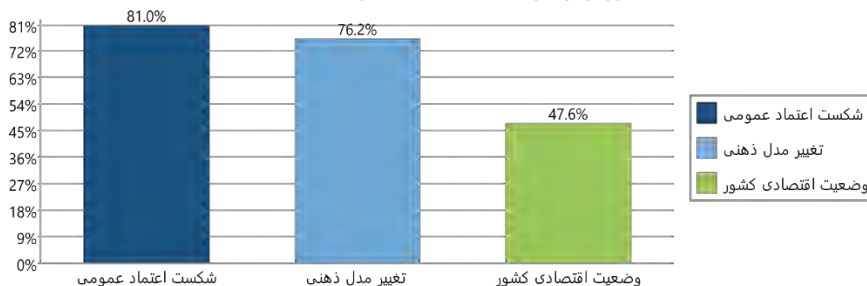
در ادامه پس از بیان نمودن سؤالات اولیه و درگیر کردن کارشناسان با موضوع مورد مطالعه و نیز پدید آوردن مفاهیم اولیه، به طرح یکی از سؤالات اصلی پژوهش پرداختیم و نظر خبرگان را درباره آن جویا شدیم تا بتوانیم با استفاده از کدگذاری گزینشی به نظریه اصلی دست پیدا کنیم. در این سؤال از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا با استفاده از تجربیات و تخصص خود، نظر خود را درباره نوسانات شدید بازار بورس ایران و بازتاب‌های امنیتی آن در سال ۱۳۹۹ شرح دهند. تجزیه و تحلیل پاسخ‌های آن‌ها به شرح ذیل آمده است:

جدول شماره (۵) نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل سؤال چهارم

درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی	فراوانی	فاکتورها
۸۰/۹۵	۸۰/۹۵	۱۹	شکست اعتماد عمومی
۷۶/۱۹	۷۶/۱۹	۱۶	تغییر مدل ذهنی
۴۷/۶۲	۴۷/۶۲	۱۰	وضعیت اقتصادی کشور
۱۰۰	۱۰۰	۲۱	اسناد با کد
-	۰	۰	اسناد بدون کد
-	۱۰۰	۲۱	اسناد تجزیه و تحلیل شده

منبع: یافته‌های پژوهش

بورس و بازتاب های امنیتی در سال ۱۳۹۹



شکل شماره (۵) نتایج تحلیل سؤال چهارم

منبع: یافته های پژوهش

با بررسی ها و تحلیل روند بازار سرمایه ایران در سال ۱۳۹۹، می توان گفت که در این سال شاهد تاریخی ترین صعودی و سقوط بازار سهام بودیم. در این بین بسیاری از مردم که به پشتوانه دعوت های مختلف وارد بازار سرمایه شده بودند متحمل زیان های جدی نیز شدند. وضعیت بازار در آن مقطع به قدری عجیب بود که در طول یک سال سه مرتبه رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار تغییر کرد. در تابستان سال ۱۳۹۹ شاخص کل بورس حدود ۲ میلیون واحد بود. در پی سیاست گذاری پولی و چالش کسری بودجه، سود بین بانکی از کمتر از ۱۰ درصد تا ۱۷ درصد افزایش پیدا کرد و به اعتقاد کارشناسان این تصمیم یکی از عوامل مؤثر ریزش بازار سرمایه بود. البته این موضوع اعتراف صریح وزیر اقتصاد نیز است و تنها به بحث های کارشناسی محدود نمانده است. به عبارت ساده تر، دولت مردم را به بورس فراخواند؛ اما هم زمان بانک مرکزی نرخ سود بانکی را افزایش داد. به طور کلی و در خوش بینانه ترین حالت می توان گفت سیاست گذاران پولی با سیاست گذار مالی هماهنگ نبودند و ابر نوسان بورس در سال ۱۳۹۹ شکل گرفت، اگرچه سیاست گذار بانکی به عنوان متولی بازار سرمایه در جهت جلوگیری از ریزش اقداماتی را در شورای بورس انجام داد، اما عدم اجرای مصوبات در زمان لازم اثراتش را از بین برد. در مقطع حساس ابتدای سال ۱۳۹۹ با نوسان شدید نرخ سود بین بانکی مواجه بودیم، ابتدا بازار پول آوار نقدینگی را به بازار سرمایه هدایت کرد و سپس با بالا رفتن شاخص، هدفمند با بالا بردن نرخ سود بین بانکی و مداخله در آن نرخ مقدمات ریزش بورس را فراهم کرد. از طرفی اعتراضاتی که به دلایل مختلف در این سال رخ داد (سوم خرداد ۹۹ در اعتراض به وضعیت بد آب آشامیدنی در اهواز، ۲۶ تیرماه سال ۱۳۹۹ ناشی از اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در استان خوزستان، ۲۵ فروردین ۱۳۹۹ در اعتراض به وضعیت معیشتی توسط دستفروشان در مقابل ساختمان شهرداری تهران) زمینه را برای جنبش های اعتراضی به ریزش های ناگهانی بورس که از مرداد ماه این سال آغاز شد، فراهم آورد. متخصصان عقیده دارند که ریزش های بورس در سال ۱۳۹۹ از سه جنبه بر امنیت ملی تأثیرگذار بوده است. مهم ترین این عوامل بحث شکست اعتماد عمومی نسبت به سیستم حاکمیتی است. اهمیت این مقوله به حدی است که تعداد ۱۹ کد از مجموع ۴۵ کد استخراج شده برای این سؤال را به خود اختصاص داده است. مشکلاتی که بیماری کرونا در این سال به وجود آورده بود باعث شده بود تا کسب و کار با کاهش سود آوری مواجه شوند و از طرفی بعد از گذشت یک هفته از وعده

رییس جمهور وقت برای گشایش اقتصادی و اذعان به ادعاهایی چون «بورس بهترین جا برای سرمایه‌گذاری است»، به دلیل منتفی شدن عرضه دارا دوم، شاخص کل بورس تهران از دو میلیون و یکصد هزار به یک میلیون ۶۰۰ هزار سقوط کرد. در حالی که شاخص کل افت حدود ۳۰ درصدی را تجربه کرد، سهامداران در بسیاری از نمادها تا ۵۰ درصد سقوط را تجربه کردند. در ۲۶ مرداد بورس تهران با ریزش ۸۹ هزار واحدی رکورد سقوط بازار را در ۵۳ سال گذشته را شکست. در دوم شهریورماه رکورد تاریخی خروج نقدینگی حقیقی از بازار شکسته شد در این روز ۳۰۰۰ هزار میلیارد تومان پول از بازار بورس خارج شد. بدین ترتیب سرمایه‌گذاران بشدت به بزرگترین بازار مالی داخلی بی اعتماد شدند و تصور عموم بر این شد که دولت صرفاً جهت جبران کسری بودجه خود در این سال تبلیغات خود را برای ورود به این بازار افزایش داد ولی نتوانست با فراهم آوردن یک بازار با ثبات از دارایی‌های مردم محافظت نماید. بدین ترتیب با توجه به پیش‌زمینه‌های اعتراضی در این سال موجب شد تا بسیاری از سرمایه‌گذاران دست به اعتراض بزنند و ریزش‌های بورسی را به سایر مسائل سیاسی نیز ارتباط دهند. در مجموع، تمامی عوامل دست به دست هم داد تا امنیت ملی ایران هم از جانب امنیت و اقتدار اقتصادی و هم از جانب جنبش‌های اعتراضی مردم با تهدید مواجه گردد.

مقوله بعدی مربوط به موضوعی است که ما با بهره‌گیری از نظریه چشم‌انداز، تغییر مدل ذهنی می‌نامیم. این مقوله با اختصاص ۱۶ کد از مجموع ۴۰ کد مربوطه، یکی دیگر از ابعاد بازتاب‌های امنیتی نوسانات بورس در سال ۱۳۹۹ است. به‌طور کلی، سرمایه اجتماعی و اعتماد در بورس به‌طور مستقیم با نظریه چشم‌انداز مرتبط است. تجربه تلخ سقوط شاخص تنها یک رخداد اقتصادی نیست، بلکه به سرمایه اجتماعی بازار نیز آسیب رسانده و باعث شده است تا سرمایه‌گذاران در مدل ذهنی خود برای آن تجربه تلخ، بهایی دو برابر در نظر بگیرند و در قبال ورود مجدد به بازار ریسک‌گریزتر باشند و حتی در صورت وقوع شانس صعود در بازار با مثبت شدن شاخص‌های سهام، سرمایه خود را از آن خارج کنند. بر اساس یافته‌های نظریه چشم‌انداز که نخستین بار از سوی دنیل کانمن و آموس تورسکی ارائه شد، هنگامی که فردی دچار یک‌واحد زیان می‌شود، میزان هیجان منفی که تجربه می‌کند، دوبرابر هیجان مثبتی است که هنگام کسب یک‌واحد سود در ذهن او ایجاد می‌شود. تجربه تلخ سرمایه‌گذاران از مرداد ۱۳۹۹ با دوبرابر ارزش ذهنی منفی‌تر در نظر گرفته شده و وابستگی به مسیر بر مبنای ترس سرمایه‌گذاران از تکرار آن وضعیت، باعث ریسک‌گریزتر شدن آن‌ها در ورود مجدد به بازار سهام شده است. به عبارتی نظریه چشم‌انداز مطرح می‌کند که باخت‌ها در شرط‌بندی‌ها و بازار نسبت به زمانی که برنده می‌شوید، دو برابر درد ذهنی ایجاد می‌کند. این امر به این معنی است که برای مثال، سقوط شاخص کل از مرداد ماه ۱۳۹۹ بر اساس این نظریه باعث احساس ناکامی بیشتر نسبت به چیزی که واقعا اتفاق افتاده، شده است. ممکن است شاخص تنها ۵۰۰ هزار واحد کاهش یافته باشد؛ اما بر اساس نظریه چشم‌انداز، در ذهن بازیگران بازار، این ریزش به نحوی احساس می‌شود که گویی شاخص یک میلیون واحد سقوط کرده است. بدین ترتیب بر اساس این نظریه می‌توان نتیجه گرفت که ریزش‌های شدید سال ۱۳۹۹ سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم به این بازار را از بین برد و با خروج سرمایه‌ها بازار بورس ایران به عنوان یکی از ناگره‌های اقتدار اقتصادی با مشکل مواجه گردید و همچنین باعث شد تا مردم به جنبش‌های اعتراضی و تحسین‌ها دست بزنند.

بعد سومی که برای تحلیل و تشریح این ارتباط مطرح گردیده است، با عنوان مشکلات اقتصادی ایران کدگذاری محوری گردیده است. به عبارتی دیگر تمامی مضامینی که مربوط به مشکلات اقتصادی زمینه‌ساز برای به خطر افتادن امنیت ملی و اجتماعی از نظر خبرگان عنوان شده است، با یک کد محوری با نام مشکلات اقتصادی ایران در این پژوهش گردآوری شده است. تعداد ۱۰ مضمون از کل پاسخ‌های مربوط به این بخش از مصاحبه برای مشکلات اقتصادی ایران استخراج شده است. یعنی در ۱۰ مضمون خبرگان بیان کرده‌اند که مشکلاتی از قبیل بیکاری، تورم و کاهش ارزش پول ملی و... باعث شده تا همواره پیش‌زمینه‌ای از نارضایتی درباره اقتصاد در مردم وجود داشته و تاب‌آوری مردم نیز نسبت به مشکلات اقتصادی کاهش پیدا کند. این فضا سبب شده تا افت‌های پی‌درپی در شاخص‌های مربوط به بازار سرمایه به عنوان جرقه‌ای برای آغاز نارضایتی‌ها عمل کرده و منجر به جنبش‌های اعتراضی شود که عدم تمرکز بر روی سایر ابعاد امنیت و کاهش امنیت را به دنبال دارد. به عبارت دیگر زمانی که دولت با یک جنبش اعتراضی توسط مردم جامعه روبه‌رو می‌شود، برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های دشمنان مجبور به کنترل و تمرکز بر آن می‌گردد که می‌تواند موجب ضعیف تر شدن سایر ابعاد امنیتی گردد. از طرفی زمانی که خروج سرمایه نیز از بازار مهمی همچون بازار سهام اتفاق می‌افتد شرکت‌ها با مشکل مواجه گردیده و چرخ اقتصاد به کندی حرکت می‌کند و رشد اقتصادی که به عنوان یکی از مظاهر قدرت در جهان محسوب می‌گردد با مشکل مواجه شود.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس یافته‌های پژوهش‌های پیشین و نظرات خبرگان و در کل تمامی مسیری که برای این پژوهش طی شده است، بازتاب‌های امنیتی بازار سرمایه و تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر امنیت ملی به صورت مقوله‌های زیر بیان شده است:

جدول شماره (۶) نتیجه‌گیری کلی از تجزیه و تحلیل کیفی

فاکتور	گروه اسناد	کل
بورس و بازتاب‌های امنیتی در سال ۱۳۹۹	۰	۰
وضعیت اقتصادی کشور	۴۷/۶ درصد	۴۷/۶ درصد
تغییر مدل ذهنی	۷۶/۲ درصد	۷۶/۲ درصد
شکست اعتماد عمومی	۸۱ درصد	۸۱ درصد
بورس و اهمیت آن در امنیت ملی	۰	۰
کاهش امنیت اقتصادی	۳۳/۳ درصد	۳۳/۳ درصد
رانت	۱۹ درصد	۱۹ درصد
دخالت دولت در بورس	۴۷/۶ درصد	۴۷/۶ درصد
نوسانات غیرمنطقی	۴۷/۶ درصد	۴۷/۶ درصد
عدم شفافیت	۳۳/۳ درصد	۳۳/۳ درصد
اقتصاد و امنیت ملی	۰	۰
آزاد سازی اقتصاد	۱۹ درصد	۱۹ درصد
اقتصاد دولتی	۱۴/۳ درصد	۱۴/۳ درصد

فاکتور	گروه اسناد	کل
فقدان توزیع مناسب درآمد	۱۴/۳ درصد	۱۴/۳ درصد
عدم سودآوری اقتصاد	۱۴/۳ درصد	۱۴/۳ درصد
افزایش بدبینی	۵۲/۴ درصد	۵۲/۴ درصد
فساد اقتصادی	۹/۵ درصد	۹/۵ درصد
کاهش درآمد واقعی	۲۸/۶ درصد	۲۸/۶ درصد
اهمیت اقتصاد	۰	۰
افزایش قدرت تحلیل اقتصادی مردم	۲۸/۶ درصد	۲۸/۶ درصد
افزایش تورم	۴۷/۶ درصد	۴۷/۶ درصد
کاهش قدرت برابری پول ملی	۲۸/۶ درصد	۲۸/۶ درصد
عدم مدیریت صحیح اقتصاد	۲۳/۸ درصد	۲۳/۸ درصد
بی‌اعتماد درباره اقتصاد	۴۷/۶ درصد	۴۷/۶ درصد
مجموع	۷۱۴/۳۹	۷۱۴/۳۹
کل اسناد	۱۰۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

به‌طور کلی، نتایج به دست آمده از تحلیل پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان در نرم‌افزار Maxqda نشان می‌دهد که:

- فقدان تخصص کافی و برخی رفتارهای غیر اقتصادی توسط اکثر سرمایه‌گذاران اسباب ضرر آن‌ها را فراهم می‌آورد و باعث می‌شود تا آن‌ها به این بازار بی‌اعتماد شوند. در این چارچوب، پیشنهاد می‌شود تا سازوکاری فراهم گردد که سرمایه‌گذاران در ابتدای ورود به این بازار دوره‌های آموزشی را طی کنند تا با دیدی بهتر در این بازار فعالیت نمایند.
- دخالت دولت در اقتصاد و بازار سرمایه دیگر عامل مهمی بود که کارشناسان مطرح کردند. بنابراین بهتر است که شرکت‌های دولتی با سرعت بیشتری به بخش خصوصی واگذار گردند و بازار را مردم اداره کنند و دولت صرفاً زیرساخت‌های تداوم حیات بازار سالم را فراهم آورد.
- مدیران ارشد سازمان بورس و اوراق بهادار باید سازوکار بازار را شفاف سازند و به‌صورت روزانه و مکرر درباره علل صعدها و نزول‌های بازار توضیح دهند تا ضمن شفاف‌تر شدن کارکرد بازار سرمایه، اعتماد عمومی به این بازار بازگردد.
- دولت باید برنامه‌هایش را برای جلوگیری از مشکلاتی همچون تورم افسار گسیخته و بیکاری طراحی و اجرا کند و در صدد کاهش مشکلات اقتصادی برآید تا دغدغه مردم از این بابت کاهش پیدا کند و امنیت اقتصادی برقرار شود و نهایتاً شاخص‌های امنیت ملی بهبود پیدا کند.

به منظور تخفیف آثار تخریبی بورس بر امنیت و همچنین تقویت آثار مثبت توصیه‌های سیاستی زیر به‌عنوان مهم‌ترین نتیجه عملی این پژوهش اعلام می‌شوند:

- وضع قانون مالیات بر عایدی سرمایه و معافیت عایدی سهام از این مالیات: با این کار به جای گسیل سرمایه به بخش‌های غیرمولد مثل زمین، املاک، ارز و طلا، سرمایه به سمت بازار سرمایه هدایت می‌شود که می‌تواند موجب تعمیق این بازار، بهبود انباشت سرمایه، رشد اقتصادی و گره خوردن منافع آحاد اقتصادی به بازار سرمایه شود. در این صورت و با عمیق‌تر شدن و کارایی بیشتر بازار سهام، نوسانات وسیع آن که به اذعان کارشناسان مورد مصاحبه در این پژوهش موجب انتقال ثروت از اکثریت به اقلیت می‌شود و زمینه‌های تخریب امنیت عمومی را فراهم می‌کند نیز کاهش می‌یابد.
- کاهش مالیات بر نقل و انتقال سهام و رقابتی کردن نرخ کارمزد کارگزاری و ارکان: در ادبیات مالی رابطه مستقیم نقدشوندگی و کارایی بازار مکشوف است و علیت از نقدشوندگی بازار شروع می‌شود. به منظور افزایش نقدشوندگی بازار سرمایه و در نتیجه بهبود کارایی و کاهش نوسانات و افزایش عدالت در این بازار، توصیه می‌شود تا ضمن کاهش مالیات فروش سهام، سهم کارگزاری از کارمزد معاملات رقابتی شده و مصوبات ضد رقابتی کانون کارگزاران ملغی شوند. در نتیجه این مهم و افزایش شدید حجم معاملات کارایی بازار بیشتر شده و اجازه نوسانات ضربه‌زننده بر امنیت ملی به این بازار داده نمی‌شود.
- رفع موانع برای تأسیس نهاد مالی و افزایش نهادهای مالی از جمله سبدگردان‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری: سازمان بورس همیشه به عنوان یکی از کندترین نهادهای حاکمیتی در صدور مجوزها شناسایی شده است. در سال‌های اخیر و به خصوص در زمان ریاست دهقان دهنوی بر این سازمان روند صدور مجوزها شتاب گرفت. توصیه می‌شود این روند با قدرت ادامه پیدا کند؛ چراکه نهادهای مالی به خوبی با فرهنگ‌سازی در جامعه می‌توانند ذهنیت عمومی درباره سرمایه‌گذاری را تغییر دهند و باعث افزایش مشارکت عمومی در این بازار، افزایش کارایی بازار و کاهش نوسانات و همچنین موجب کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم افراد شوند که عامل اصلی زیان آن‌هاست و از این مسیر سرمایه‌گذاری غیرمستقیم در صندوق‌ها و سبدگردان‌ها را ترویج کنند.
- مقابله بیشتر با خروج سرمایه و فرهنگ‌سازی در راستای کاهش ذخایر خانگی ارز و طلا: سال‌های طولانی تورم و بی‌اعتمادی به بازار سرمایه‌ای، که به خوبی می‌تواند در بلندمدت سپر تورمی باشد و از انباشت سرمایه‌های ملی در قالب ارزهای خارجی و طلا جلوگیری کند، موجب شده است تا انباشت سرمایه در کشور کفاف استهلاک را هم ندهد و رشد اقتصادی در ایران با چالش جدی مواجه شود.
- توصیه می‌شود با سیاست‌های سلبی در مورد خروج سرمایه و همزمان افزایش اعتماد عمومی به بازار سرمایه، زمینه‌های بهبود تخصیص منابع مالی در اقتصاد ایران فراهم شود.
- ثبات رویه در سیاست پولی و نرخ بهره توسط بانک مرکزی: عامل اصلی نوسانات سال ۱۳۹۹ به اذعان کارشناسان اقتصادی، دستکاری نرخ ذخیره قانونی بانک‌ها در اوایل شیوع کرونا و رسیدن نرخ بهره بین بانکی به زیر ۱۰ درصد بود که موجب رشد انفجاری بازار سهام شد. پس از آن و با بازگشت نرخ بهره به سطوح قبلی بازار سهام نیز در ریزشی سنگین به سطوح قبلی خود بازگشت و در این میان صرفاً سرمایه‌های عظیمی از عامه مردم به سمت فعالان بزرگ بازار سرمایه انتقال یافت.

- توصیه می‌شود در آینده بانک مرکزی از این‌گونه سیاست‌های بی‌ثبات در سیاست‌گذاری‌های پولی خود پرهیز کند و این چنین با ایجاد نوسانات بزرگ در بازارهای مالی اعتماد عمومی به این بازار را تخریب نکند.



منابع و مأخذ

منابع فارسی

- امینی راد، مهدی؛ مهرگان، نادران؛ جعفری سرشت، داود و شاه آبادی، ابوالفضل (۱۴۰۱).
ترجیحات ریسکی و بحران در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی دانش
سرمایه‌گذاری، دوره ۱۱، شماره ۴۳، ص ۱۴۹-۱۷۰.
- برومند، شهزاد (۱۳۸۷). امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب، تهران: مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۹۹). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: پژوهشکده مطالعات
راهبردی.
- چینی، حبیب (۱۳۸۲). امکانات، محدودیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات امنیت اقتصادی، مجموعه مقالات
همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- رسولی، کریم و فرزین‌وش، اسدالله (۱۳۹۴). تبیین رابطه بین آزادی و امنیت اقتصادی با تشکیل
سرمایه: شواهدی از کشورهای نوظهور و در حال توسعه، فصلنامه مطالعات اقتصاد کاربردی ایران،
دوره ۴، شماره ۱۴، ص ۱۴۵-۲۶۳.
- رشیدی طغرل‌جردی، مصطفی؛ ردادی، علی و مقدم‌فر، سعیدرضا (۱۳۹۴). طراحی الگوی سنجش
امنیت اقتصادی، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، دوره ۱۸، شماره ۶۸، ص ۶۵-۸۹.
- رنجبر، محسن (۱۳۸۹). اهمیت توجه به امنیت اقتصادی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور،
اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۷۳ و ۲۷۴، ص ۲۳۵-۲۴۴.
- روزکرانس، ریچارد (۱۳۸۶). اقتصاد و امنیت ملی: روند تکاملی در رویکردهای جدید در مطالعات
امنیتی، ترجمه سید محمدعلی متقی‌نژاد، جلد اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- زارع، هاشم (۱۴۰۰). عدم اطمینان سیاسی و نوسانات بازار سهام در ایران: با توجه به تحولات
بین‌المللی، مجله توسعه و سرمایه، سال ۶، شماره ۱۰، ص ۱۲۳-۱۴۵.
- زارع‌شاهی، احمدعلی (۱۳۷۹). بی‌ثباتی سیاسی و امنیت اقتصادی و تأثیر آن بر عوامل تولید در ایران،
فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۳، شماره ۷ و ۸، ص ۲۲۲-۲۴۱.
- سلمانی بی‌شک، محمدرضا؛ شاه‌وبردی دولت‌آباد، امیر و باستان، فرانک (۱۳۹۳). بررسی اثرات درآمد
مالیاتی و امنیت اقتصادی در ایران (رهیافت متقابل علیت در داده‌های سری زمانی)، فصلنامه
سیاست‌های مالی و اقتصادی، دوره ۲، شماره ۷، ص ۷۳-۹۰.
- سویزی، محسن و محمدی، فریبرز (۱۳۹۰). نقش سرمایه اجتماعی در تأمین امنیت سرمایه‌گذاری،
سیاست‌گذاری، دوره ۲، شماره ۳، ص ۱۱۹-۱۴۶.

- سیف، الهمراد؛ کمالی، روزبه و علی‌یاری، فرشاد (۱۴۰۱). نقش ثبات اقتصادی و امنیت اقتصادی در الگوی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، دوره ۲۰، شماره ۸۷، ص ۵۵-۸۰.
- سیف، الهمراد (۱۳۸۹). مفهوم‌شناسی امنیت اقتصادی، *فصلنامه آفاق امنیت*، دوره ۳، شماره ۹، ص ۳۵-۷.
- شیهان، مایکل (۱۳۸۸). *امنیت بین‌الملل*، ترجمه سید جلال‌الدین دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عزیزی، محسن؛ خضری، محمد؛ کاویان، رضا و خداوردی، حسن، (۱۳۹۷). نقش راهبردی شاخص‌های امنیت اقتصادی در تقویت امنیت ملی کشور، *فصلنامه آفاق امنیت*، دوره ۱۱، شماره ۳۹، ص ۳۹-۶۶.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷). *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- موسوی زنوز، موسی (۱۳۹۳)، رابطه امنیت ملی و تجارت بین‌الملل: مطالعه موردی، امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تجارت بین‌الملل، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، دوره ۵، شماره ۱۴، ص ۱۰۹-۱۴۲.
- نیازی، محسن و نظری، حامد (۱۳۹۷). *تحلیل داده‌های کیفی با بهره‌گیری از نرم افزار maxqda12*، تهران: انتشارات آرون.

منابع لاتین

- Alesina, A., & Sachs, J. (1988). Political Parties and Business Cycle in the United States. *Journal of Money, Credit, and Banking*, 20(2), 63-82.
- Ayman Omar., Brendan Lambe., & Tomasz Piotr. Wisniewski. (2021), Perceptions of the threat to national security and the stock market, *Journal of Economic Behavior & Organization*, 186(1), 504-522
- Białkowski, J., Gottschalk, K., & Wisniewski, T. P. (2008). Stock market volatility around national elections, *Journal of Banking & Finance*, 32(9), 1941-1953
- Brooks, C. (2019). *Introductory econometrics for finance*, Cambridge university press.
- Chan, Y., & Wei, K.C. (1996). Political risk and stock price volatility: the case of Hong Kong. *Pacific-Basin Finance*, 4,(2-3), 259-275.
- Chappell, H.W., Keech, W.R. (1986). Party differences in macroeconomic policies and outcomes. *American Economic Review*, 76, 71-74.
- Chesney, M., Reshetar, G., & Karaman, M. (2011). The impact of terrorism on financial markets: An empirical study. *American Economics*, 8 (4), 149-163.

- Fabriciuse, Michael. (1998). *The Impact OF Economic Security On Bank Deposits and Investment*, IMF, Working Paper.
- Floros, C.H. (2008). The influence of the political elections on the course of the Athens stock exchange 1996-2002. *Financial Analysts Journal*, 51(2), 61-69.
- Gilpin, Robert. (1993), *The Political economy of international relations*, New York: Council on foreign relation press.
- Grossman G., & Helpman E., (1991). *Innovation and Growth in the Global Economy*. Cambridge: MIT Press.
- Hensel, C., & Ziemba, W. (1995). United States investment returns during democratic and republican administrations. *Journal of Banking & Finance*, 32(9), 1941-1953.
- Jackson, A.O. (2008). The impact of the 9/11 terrorist attacks on the US economy. Florida Memorial University, *Journal of Banking & Finance*, 32(9), 1941-1953.
- Krueger A., & Lindahl M. (2001). Education for Growth: Why and For Whom?, *Journal of Economic Literature*, 39(4), 1101-1136.
- Losman, D. (2001). *Economic Security: A National Security Folly?* Policy Analysis, No. 409, Cato Institute.
- Mesjasz, C. (2008). *Economic Security. H. G. Brauch Globalization and Environmental Challenges: Reconceptualizing Security in the 21st Century*. Berlin: Springer.
- Naceur Essaddam., & John M. Karagianis. (2015). Terrorism, country attributes, and the volatility of stock returns, *Research in International Business and Finance*, 31(1), 87-100.
- Perotti, E.C., & Oijen, P.V. (2001). Privatization, political risk and stock market development in emerging economies, *Journal of International Money and Finance*, 20(3), 43-69.
- Smales, L.A. (2014). News sentiment in the gold futures market. *Journal of Banking & Finance*, 49(1), 275-286.

Stock market developments in 2019 and its Impact on Economic and National Security

Amirhossein Elham^{1*}
Najafali Shahbazi²
Mohammad Amin Fallah³

Abstract

The sudden fluctuations of Iranian stock market at the end of 2018 and the first half of 2019 are among the most important economic events that have left a lasting impact on the historical psyche of Iranians and could have led to deepening political dissatisfaction and insecurity. In this framework, the objective of the present study is to determine the relationship between the developments in the capital market during 2019 and the security of the country. In particular, the paper examines the hypothesis that 'insofar as general trend in the capital market influence the improvement of financial indicators, they will constructively affect national security and economic situation'.

In order to examine this hypothesis, the paper employs the Qualitative Method of Thematic Analysis and utilizes maxqoda software. The findings of this study indicate that increasing public willingness to participate in the stock market in hope of gaining profit, the deep entanglements between national security of Iran and the economic situation which is affected by performance of the stock market, the excessive and unnecessary government interventions in the capital market, the immanent necessity for increasing transparency of the stock market, the strong influence of financial rent seeking on the functioning of the stock market, the lack of expertise and awareness of small and medium investors concerning emerging trends in the stock market, low public trust in the stock market and the low legitimacy of the government, provide the ground for the intensification of protest movements at the political and social levels.

Key Words: Stock market, economic security, economic experts, changes in stock market indices.

¹ Assistant Professor, Internal Security Research Institute, Defensive Science Research Center, Supreme National Defense University, Tehran, Iran. Corresponding Author. (Amelhami@yahoo.com)

² Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Management and Economics, Imam Hossein University, Tehran, Iran. (Shahbzi.ali@ut.ac.ir)

³ M.A in Economics, Faculty of Management and Economics, Sharif University of Technology, Tehran, Iran. (ma.fallah70@gmail.com)